

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۵

معین‌التجار بوشهری

(نماینده تهران و بوشهر در دوره‌های اول و سوم مجلس شورای ملی)

فروغ بحرینی

کارشناس ارشد تاریخ

(گرایش مطالعات خلیج فارس)

چکیده

حاج محمد معین‌التجار از شخصیت‌های مشهور تاریخ تجارت و سیاست ایران در خطه جنوب به شمار می‌رفت و فعالیت‌های او موجب نبض شریان اقتصاد ایران در مقطع زمانی خاص مشروطه تا جنگ جهانی اول گردید. آغاز قدرت‌یابی اقتصادی وی به دوره ناصری بازمی‌گردد و شروع فعالیت سیاسی او به دوره مظفرالدین شاه می‌رسد. معین‌التجار پس از طی یک دوره ورشکستگی خانوادگی با استفاده از میراث عمه پدرش، در ابتدا به عنوان یک تاجر، معروف شد و سپس پا به عرصه سیاست نهاد. از جمله شخصیت‌های شناخته شده و سرشناس بوشهر که نقش بسیار مهمی در تاریخ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران دوره قاجار و پهلوی، ایفا کرد، حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری بود. وی با لیاقت و کاردانی اقتصادی، خود را به مهم‌ترین نهاد سیاسی کشور یعنی مجلس شورای ملی و مدارج بالا رسانید و با افتتاح مجلس شورای ملی، یکی از دو نماینده بانفوذ و با درایت تجار در مجلس اول بود. در دوره سوم نیز به نمایندگی از مردم بوشهر وارد مجلس شورای ملی شد.

اینکه چگونه خانواده حاج معین‌التجار از ورشکستگی به احیاء تجارت در خاندان خود دست یافتند؟ نقش اقتصاد در اندیشه سیاسی معین‌التجار به چه شکل اعمال گردید؟ و اتهامات وارده بر اقدامات او تا چه حد صحت داشتند؟ از پرسش‌های اصلی این پژوهش است.

در این پژوهش، سعی بر آن بوده است تا به شرح بیوگرافی حاج محمد معین‌التجار بوشهری، فعالیت‌های اقتصادی ایشان در تجارت بین‌الملل و خلیج فارس و نیز به بررسی تأثیر اندیشه ایشان در تحولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در طول دوران حضور در این عرصه‌ها پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری، زندگی، تجارت، سیاست.

بوشهر در جنوب ایران و در حاشیه خلیج فارس، یکی از مراکز مهم قدیمی و تجاری ایران است که همواره با توجه به موقعیت استراتژیک این شهر، سابقه درخشانی در تاریخ اقتصاد، تاریخ اجتماعی و فرهنگی از خود برجای گذاشته و در دامان خود مردانی بزرگ در عرصه سیاست و اقتصاد، پرورانیده است. حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری، از جمله چهره‌های ماندگار تاریخ معاصر ایران محسوب می‌گردد که نطق‌های سیاسی و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی وی، نه تنها در خطه جنوب بلکه در همه خاک این مرز و بوم برای محققان آشکار است. وی کسی بود که با فعالیت تجاری پا به عرصه اقتصاد بین‌المللی نهاد و با نشان دادن لیاقت‌های خود در کمترین زمان ممکن، در عرصه سیاست نیز به اشتها قابل توجهی دست یافت. درخصوص بررسی فعالیت‌های ایشان در زمینه اقتصادی و سیاسی، چه در مجلس و چه خارج از آن، مقالات و پژوهش‌ها و حتی با عنوان «معین‌التجار» تألیفاتی صورت گرفته اما درخصوص زندگی شخصی و خانواده و فرزندان او، اثری مستقل تدوین نشده است. از آن‌جا که از خانواده، فرزندان و نوادگان حاج آقا محمد معین‌التجار، در بوشهر هم‌اینک کسی سکونت ندارد و از همان دوره حضور در فعالیت‌های سیاسی در تهران، این خاندان به طور کامل از بوشهر به تهران مهاجرت کرده‌اند، نگارنده درخصوص ایشان در زادگاهشان به مطالب و اطلاعات خاصی دست نیافته و امید است در این مقاله با روش کتابخانه‌ای، نکاتی مهم و مؤثر در مورد ایشان، تبیین شود.

زندگی‌نامه حاج معین‌التجار

وی از فرزندان خاندان مهاجرت کرده دهم‌دهشتی به بوشهر بوده است. سدیدالسلطنه درخصوص ایشان نوشته است: «حاج آقا محمد پسر حاج محمدرحیم دهم‌دهشتی است...»^۱ «پدرش از تجار بود و ورشکست شد؛ مجاورت نجف اشرف اختیار کرد»^۲. در اوایل عصر، بی‌چیز بود و این طور نقل شده است که در نجف اشرف در حرم حضرت امیر، مدتی کفش‌داری زوآر را می‌نموده است.^۳ حاج عبدالمحمد ملک‌التجار و آقامحمد معین‌التجار دو برادر بودند که در ابتدا چیزی نداشتند و بعداً دارای ثروت فوق‌العاده‌ای شدند و به درجه و اعتباری خاص رسیدند. معین‌التجار در سنه ۱۲۹۸ هـ.ق، از نجف اشرف به بوشهر برای دعوی میراث آمد. در حالی که در ابتدا مالک هیچ چیز نبود، به واسطه آشنایی با علی اصغرخان امین‌السلطان به ثروت هنگفتی رسید.^۴ همشیره ایشان در خانه حاج عبدالمحمد ملک‌التجار بوشهر بود و حاج عبدالمحمد، بدون عقب، درگذشت و نصف هستی خویش به زوجه خود ملکی جان بخشید. اقتدار و نفوذ آقا محمدعلی ملک‌التجار برادر حاج عبدالمحمد، مانع بود تا ایشان خواستار حق خود شوند. ملکی جان هم حقوق مزبوره

۱. سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی‌خان، سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری (تهران: نشر به‌نشر، ۱۳۶۲، چاپ اول)؛ ص ۲۱.

۲. همان؛ صص ۲۲-۲۱.

۳. علوی، سیدابوالحسن، رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی، بازخوانی و تجدید چاپ: ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵ چاپ دوم)؛ ص ۱۳۸.

۴. سعادت کازرونی، محمدحسین، تاریخ بوشهر (۱۳۵۴-۱۲۸۲ هـ.ق)، تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰، چاپ اول)؛ ص ۴۳.

را به برادرزاده خود معین‌التجار صلح کرد ... آقا محمدعلی معین‌التجار به بوشهر آمد و مطالبه نمود و با حاج محمدمهدی ملک‌التجار تقریباً در چهارصد هزار روپیه به مصالحه گذرانید.^۱

معین‌التجار بوشهری، یکی از افراد ژرف‌نگری بود که در کشور سرمایه‌گذاری‌های صحیحی انجام داد. او با ارتباط خانوادگی با خاندان قدرتمند و صاحب نفوذ در جنوب ایران، حاج محمدمهدی ملک‌التجار بوشهری، خود را سریعاً به مراتب بالا سوق داد. حاج محمدرحیم دهدشتی که خواهر او عروس خاندان ملک‌التجار بود، به عنوان دوست محمدمهدی ملک‌التجار شناخته شد که در امور او همکاری بسیاری داشت و از شبکه گسترده ارتباطی در ایران و خارج از کشور برخوردار بود. از سال ۱۸۹۸م. معین‌التجار روابطی با نخست‌وزیر وقت، امین‌السلطان داشته است. در سال‌های بعد با پیدایش معین‌التجار و فعالیت‌های خاص در زمینه‌های اقتصادی، در ساحل خلیج فارس به ویژه در شرکت کشتیرانی ناصری، اهمیت درخور توجهی یافت.

به دلیل نفوذ و اقتدار محمدعلی ملک‌التجار دوم، برادر حاج محمد، بانو ملکی جان توان استفاده از ارث به دست آمده را نداشت، از این رو تمام اموال و دارایی و میراث خود را به حاج محمدعلی معین‌التجار، برادرزاده خود بخشید. پس از وفات محمدعلی ملک‌التجار در سال ۱۲۹۵هـ.ق، چون وی نیز فرزندی نداشت، برادرزاده حاج محمدمهدی معروف به ملک‌التجار سوم، فرزند حاجی‌بابا که او نیز یک تاجر معروف در بوشهر بود، جانشین وی شد. در همین زمان، معین‌التجار به بوشهر آمد و از ملک‌التجار سوم، حدود چهارصد هزار روپیه سهم ملکی جان را گرفت و او نیز به امر تجارت پرداخت. معین‌التجار به همراه ملک‌التجار به اروپا و مکه مکرمه و عتبات عالیات مسافرت نمود و در این سفرها دارایی زیادی به دست آورد و مراتب قدرت مالی را یکی پس از دیگری طی نمود و به عنوان مقام اقتصادی درجه اول بوشهر دست یافت.^۲

در سنه ۱۳۱۴هـ.ق، به خواهش انگلیسی‌ها، عمل تفتیش اسلحه و ضبط آن در بوشهر، به حاج محمدمهدی ملک‌التجار محوّل شد. در همین حین بین وی و حاج محمد معین‌التجار بر سر مسئله استجاره گمرک، نزاع و مناقشه‌ای به وجود آمد و در پی آن معین‌التجار به تهران احضار گردید.^۳ بعد از آنکه در سال ۱۳۱۶، مجدداً صدراعظمی ایران از طرف مظفرالدین شاه به علی‌اصغرخان امین‌السلطان تفویض شد، باز اتباع و بستگان او بر سر کار آمدند و در صدر امور دولتی قرار گرفتند. از جمله این بستگان، حاج محمد معین‌التجار بود.^۴ در سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگستان، معین‌التجار برای تجدید امتیاز و استحکام کار مزبور، مدتی را در رکاب شاه بود تا اینکه امتیاز را تجدید و به تهران مراجعت نمود.^۵ پس از اختلال در امور بنادر، به حکم معین‌التجار، نیابت حکومت بنادر (منصب دریاییگی) به احمدخان، پسر مترجم کشتی

۱. سدیدالسلطنه، همان؛ صص ۲۲-۲۱.

۲. سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، پژوهش‌نامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم)، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا (تهران: نشر خانه کتاب، ۱۳۹۰، چاپ دوم)؛ ص ۹۲.

۳. سعادت، همان؛ ص ۱۲۲.

۴. همان؛ ص ۱۲۵.

۵. علوی، همان؛ ص ۱۳۹.



پرسپولیس، واگذار گردید. وی گرچه بر حسب ظاهر، به سمت نایب‌الحکومه منصوب شد ولی فی‌الواقع حکومت و اختیارات کل، اعم از امور لشکری و کشوری و بحری و بری، به معین‌التجار محول گردیده بود.^۱ در سنه ۱۳۱۷هـ.ق، چهاردهم شعبان همین سال، حاج معین‌التجار که در معیت امین‌السلطان به فرنگستان رفته و از طریق مصر و بمبئی برای دیدن اهل و عیال خود عازم بوشهر شده بود و پس از رفتن به محمره و اقامت چند روزه در آنجا، به اتفاق ناظم‌التجار وارد بوشهر گردید، عموم اهالی از هر صنف و طبقه‌ای از وی دیدن نمودند و مقدم وی را تبریک گفتند. اما ورود ایشان برای حکمران بوشهر (احمد دریابگی) ناپسند و سنگین آمد و مردم را از دیدار با وی ممنوع داشت و آنان را مجبور ساخت تا بازارها را تعطیل کنند و با یک تلگراف، کراهت خود را از ورود معین‌التجار اظهار نمود؛ بدین ترتیب، معین‌التجار از راه شیراز به تهران رفت و در آنجا ماندگار شد.^۲

خانواده، فرزندان و نوادگان حاج معین‌التجار

معین‌التجار دارای چند فرزند بود. پسران ایشان به ترتیب عبارت بودند از: آقا محمد رحیم، آقا محمد رضا، آقا محمد جواد، آقا محمد صادق و آقا رضا بوشهری.

آقا محمد رحیم، پسر بزرگ حاج معین‌التجار با لقب معاون‌التجار در سال ۱۳۳۵ خورشیدی، به دلیل نامعلومی در تهران خودکشی کرد. در اوایل سنه ۱۳۳۵، معاون‌التجار، به مرگ غیرطبیعی در تهران درگذشت و شایع بود که خودکشی کرده و یا ممکن است کشته شده باشد.^۳

فرزند دوم ایشان با نام محمد رضا در سال ۱۳۷۵هـ.ش، متولد شد. تحصیلات خود را در تهران و اروپا به پایان رسانید. وی هرگز کار دولتی نپذیرفت و در کنار پدرش به تجارت ابریشم پرداخت.^۴

فرزندان معین‌التجار نیز با توجه به توان و نفوذ اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای که پدر ایشان از آن برخوردار بود، در امور اقتصادی و سیاسی از موفقیت‌های خوبی برخوردار گردیدند. عوامل مختلفی موجب برخورداری آنان از این جایگاه بود که از آن جمله می‌توان به توجه به تحصیلات عالی، فعالیت توأمان در عرصه اقتصاد و سیاست، حمایت حکومت مرکزی و دربار، و ارتباط با افراد بانفوذ اشاره کرد. معین‌التجار چند پسر داشت که فقط جواد بوشهری و محمد صادق و رضا بوشهری، رشد سیاسی و اقتصادی خوبی در سایه فعالیت و پشتکار پدر به دست آوردند که به اختصار به معرفی آنان پرداخته خواهد شد.

جواد بوشهری: جواد بوشهری، پسر سوم معین‌التجار و معروف به امیرهمایون در سال ۱۲۷۷هـ.ش / ۱۸۹۸م، در بوشهر متولد شد. پس از پایان تحصیلات قدیمی در بوشهر، به تهران رفت و از مدرسه آلمانی‌ها فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه تحصیل راهی اروپا شد و در انگلستان و سوئیس در رشته تجارت و اقتصاد به تحصیل ادامه داد. در جوانی به شغل پدری یعنی تجارت علاقه‌مند شد و پیشرفت خوبی در این زمینه نمود. ایشان با دختر امین‌الضرب ازدواج کرد. وی بیش از برادرانش به امور سیاسی علاقه داشت و ملقب به

۱. سعادت، همان؛ ص ۱۲۵.

۲. همان؛ ص ۲۵۲.

۳. علوی، همان؛ ص ۱۳۹.

۴. سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۰۴.

عنوان «شاهزاده سوداگر» بود و از همه فرزندان دیگر معین‌التجار، مشهورتر و معروف‌تر گردید. پس از بازگشت به ایران علاوه بر فعالیت تجاری، به فعالیت سیاسی نیز پرداخت. وی در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، جزو بازداشت‌شدگان مخالف سیدضیاء بود و در طول صدارت صدروزه وی در زندان به سر برد. در سال ۱۳۰۴ هـ.ش. نیز از اعضای مجلس مؤسسانی بود که رأی به انقراض سلسله قاجار داد. در سال ۱۳۰۷، از تهران به وکالت مجلس هفتم انتخاب شد و بعد از آن به سناتوری مجلس سنا رسید و تا آخر عمر در این سمت باقی ماند. دو دوره نیز نایب رئیس مجلس سنا گردید و در دوره اول مجلس سنا، رأی به خلع سلطنت احمدشاه قاجار داد.^۱

محمدصادق بوشهری: محمدصادق بوشهری، در سال ۱۲۷۸ هـ.ش. / ۱۸۹۹ م.، متولد شد. وی از ابتدا به تجارت علاقه‌مند بود. در ادوار چهاردهم و هجدهم و نوزدهم و بیستم به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت و با توجه به نفوذ سیاسی و اقتصادی که در دولت داشت، در دوره‌های پنجم و ششم مجلس سنا نیز به مقام سناتوری رسید. اما وی در زندگی شخصی خود دارای مشکلاتی بود و به همین دلیل در سال ۱۳۴۸، اقدام به خودکشی کرد. وی پسری داشت که او نیز دست به خودکشی زد.^۲

رضا بوشهری: رضا بوشهری همانند پدر و برادران در کسوت تجارت به فعالیت پرداخت. چند سالی در آلمان به امر تجارت مشغول بود و تجارتش رونق خوبی پیدا کرد. او با زنی آلمانی نیز ازدواج کرد. وی در دوره هشتم به نمایندگی از طرف مردم تهران برگزیده شد. پس از ازدواج پسرش مهدی بوشهری با اشرف پهلوی، ارتباطش با دربار استحکام بیشتری یافت.^۳

معین‌التجار پنج داماد داشت که همگی از خاندان‌های متمنّفذ و متمول زمان خود بودند. (۱) علی‌اکبر ناظم‌التجار (۲) میرزا محمدعلی‌خان ملک‌التجار بوشهری (پسر حاج محمدمهدی ملک‌التجار سوم) (۳) سیدحسین‌خان آصف‌الملک (۴) محمدآقا جواهری و (۵) حسن آقا پسر حاج حسین آقا امین‌الضرب.^۴

محمدباقر بوشهری: علاوه بر پسران معین‌التجار، نوه‌های وی نیز به شغل تجارت و نمایندگی مجلس مشغول شدند. از معروف‌ترین آن‌ها، محمدباقر بوشهری فرزند معاون‌التجار و نوه دختری حاج امین‌الضرب بود. وی در تهران متولد شد و پس از اخذ دیپلم جهت ادامه تحصیل به اروپا رفت. مدتی در پاریس اقامت کرد، سپس به انگلستان رفت و از دانشگاه منچستر در رشته تجارت و اقتصاد موفق به اخذ مدرک لیسانس گردید. سپس به ایران بازگشت و به تجارت مشغول شد و کار وی رو به رونق بود که با مشکل مالی روبه‌رو شد. تمام دارایی‌اش و حتی خانه مجلل پدری‌اش که در خیابان لاله‌زار بود، توسط بانک ملی ضبط شد. پس از این شکست، از فعالیت‌های اقتصادی دست کشید و با علاقه‌ای که خانوادگی به سیاست داشتند، به آن روی آورد و در دوره‌های هجدهم و نوزدهم، بیستم، یکم و دوم به مجلس شورای ملی راه

۱. سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، معین‌التجار و احیاء تجارت دریایی (بوشهر: دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۹۳)؛ صص ۱۳۳-۱۳۲.

۲. عاقلی، باقر، خاندان‌های حکومتگر ایران - قاجاریه، پهلوی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۱)؛ ص ۳۲۰.

۳. سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۳۷.

۴. سدیدالسلطنه، همان؛ ص ۶۵.



یافت. او هم‌چنین به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با دربار داشت، در دوره هفتم مجلس سنا از طرف فارس به سناتوری رسید.^۱

مهدی بوشهری: مهدی بوشهری، فرزند جواد بوشهری، نوه معین‌التجار بود. وی قبل از ازدواج با اشرف پهلوی، از شرکای وی در تجارت محسوب می‌شد. او ضمن ازدواج با اشرف پهلوی به سرمایه‌هنگفتی دست یافت و در مدت زمان کوتاهی به یکی از سرمایه‌دارترین مردان زمان خود تبدیل شد.^۲

مهدی بوشهری، به دلیل نزدیکی به دربار پهلوی، به موفقیت‌های شغلی خوبی دست یافت؛ از جمله سفیر سیار و رئیس هیئت مدیره فستیوال‌های هنری و نیز مدیرعامل خانه ایران در پاریس و زمانی که در فرانسه حضور داشت، رابط شاه ایران و صاحبان صنایع و تجار بود. به نظر می‌رسد وی واسطه فروش راکتورهای اتمی فرانسه به ایران بوده است. او هم‌چنین پس از جواد بوشهری به ریاست شورای مرکزی جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی منصوب گردید.^۳

پرویز بوشهری: پرویز فرزند جواد بوشهری و برادر مهدی بوشهری بود. وی از امانت‌داری و وفای به عهد که عناصر اصلی در کار تجارت محسوب می‌گردد، برخوردار نبود و اقدامات او اعتراض درباریان پهلوی را نیز در بر داشت. وی در هر معامله‌ای که احساس می‌کرد منفعتی در بر دارد، حضور فعال می‌یافت. از جمله در کار واردات شکر که در دست فلیکس آقایان، رئیس فدراسیون اسکی و از نزدیکان شاه بود، ورود پیدا کرد و با حمایتی که درباریان از وی به عمل آوردند، از منافع سرشاری برخوردار گردید.^۴

املاک و دارایی معین‌التجار

یکی از علایق شاخص حاج معین‌التجار، توجه ایشان به جمع‌آوری و خرید املاک و زمین بود که البته خرید و مالکیت حقیقی آن املاک همواره در پرده ابهام بوده است و پژوهشگرانی در این باب در تلاش هستند تا سندیت ادعای ایشان و فرزندان‌شان را مردود و در صورت حقانیت ادعاها اثبات نمایند. اما مسئله مهم، این است که چه عامل یا عواملی، اشخاصی هم‌چون ایشان و سایر ملاکین را به این جریان کشانید؟ اینکه چرا وی به زمین‌داری گرایش یافت، به اوضاع اقتصادی ایران و جایگاه تجار در آن مقطع و تحولات سده نوزدهم مربوط بود که موجب گرایش بیشتری به زمین‌داری می‌شد. با توجه به تحولات اقتصادی که در کشورهای صنعتی به وجود آمد، سرمایه‌گذاری اروپاییان در ایران بیشتر شد و این امر بر ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه ایران نیز اثر گذاشت و تا اندازه‌ای ساخت اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داد که از جمله اثرات آن، گرایش برخی از اقشار، خصوصاً طبقه تجار به زمین‌داری بود.^۵ از سوی دیگر، دربار برای ایجاد تحول جدید در اقتصاد سنتی و خروج از تنگناهای اقتصادی و هم‌چنین تأمین هزینه مسافرت به خارج از کشور، نیاز مبرمی به پول نقد داشت که در این راستا چاره‌ای جز فروش املاک خاصه نمی‌دید.

۱. عاقلی، همان؛ صص ۳۱۹-۳۲۱.

۲. اسناد لانه جاسوسی، ترجمه و تنظیم دانشجویان خط امام (تهران: مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا، بی‌تا)؛ صص ۱۰۷.

۳. سعیدی‌نیا، همان؛ صص ۱۳۸.

۴. همان؛ صص ۱۴۰.

۵. سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، پژوهش‌نامه خلیج فارس، همان؛ صص ۹۸.

از آن جایی که زارعان قدرت خرید نداشتند، بازرگانانی هم چون معین التّجار برای دور بودن از ضرر و زیان‌های تجارت داخلی و خارجی حاصله از شرایط خاص آن زمان، به خرید آن املاک تمایل یافتند.^۱ احمد سیف در این خصوص می‌نویسد:

بسیاری از تجّار برای حفظ سرمایه باقی‌مانده خود اقدام به خرید زمین و املاک کشاورزی نمودند و باید به تولید محصولی می‌پرداختند که سودآوری بیشتری داشته باشد.^۲

بدین ترتیب معین التّجار با خرید زمین‌های ممسنی می‌توانست محصولات آن زمین‌ها را به بازار عرضه کند و سرمایه خود را از خطرات تجارت بین‌الملل، محفوظ بدارد.

یکی از دلایل پیشرفت و کمک به طی شدن مراحل ترقی معین التّجار بوشهری، دوستی و آشنایی وی با علی‌اصغرخان امین‌السلطان بود. وی در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به همراهی میرزا علی‌اصغرخان اتابک، بلوک معروف ممسنی در فارس را از دولت خریداری کرد و در همان زمان بود که امتیاز کشف خاک جزیره هرمز را نیز به او واگذار کردند.^۳ طی فرمانی که در دست نیست، این پادشاه به سال ۱۳۱۷ هـ.ق.، اراضی خالصه شولستان را که شامل اراضی طایفه بکش جاوید و رستم بود، به این تاجر ذی‌نفوذ واگذار کرد.^۴

حاج معین التّجار، املاک زیادی را از ایالات خوزستان، فارس، بوشهر، بندرعباس و ممسنی خریداری نمود. سدیدالسلطنه در خصوص تفکر و کاردانی او در جمع املاک و ثروت، نوشته است:

در عقل و حزم و تدبیر و کفایت و دوراندیشی از همگان پیش و در وجود و فطانت از امثال و اقران بیش. از اشخاص درجه اول محسوب شود. منصب سرتیپی و هزار تومان موجب از دولت دارد و در بندرات ناصری (اهواز) مستعمرات دارند ...^۵

دارایی‌های وی عبارت از زمین، باغ، کاروانسرا و مغازه بود اما بیشترین حجم زمین‌های وی در ممسنی قرار داشت. یکی از متمکنین بوشهر با نام اسماعیل شبانکاره، اسلحه قاچاقی وارد بندر بوشهر کرده بود که در دوره مظفرالدین شاه با وساطت حاج معین التّجار از زندان آزاد گردید. مظفرالدین شاه با پیشنهاد معین التّجار، تیول ممسنی را به اسماعیل شبانکاره واگذار کرد. اما حضور وی در ممسنی با استقبال و خوشرویی مردم آن‌جا مواجه نگردید که نتیجتاً شش دانگ تمام محال ممسنی به موجب اسناد رسمی دفتری شده مورخ ذی‌حجه ۱۳۱۷ هـ.ق. / ۱۹۰۰ م.، از طرف مظفرالدین شاه به مالکیت قطعی معین التّجار در آمد. معین التّجار نیز به ممسنی مراجعه و حین دریافت مالیات از مردم، با درگیری و خونریزی مواجه شد. این اختلاف تا دوره رضاشاه ادامه یافت. پسر ایشان امیرهمایون به مقابله با ایشان پرداخت و در جنگ «تنگ تامرادی» نیروهای رضاشاه قادر به سرکوب کامل شورش محلی مردم ممسنی گردید.^۶

۱. اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، «معین التّجار بوشهری و دست‌اندازی به اراضی شولستان، با تکیه بر اسناد نویافته طایفه بکش»، گنجینه اسناد، سال ۲۴، ش: ۱، بهار ۱۳۹۳؛ ص ۴۳.

۲. سیف، همان؛ ص ۲۰۴.

۳. علوی، همان؛ صص ۱۳۸-۱۳۹.

۴. اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، همان.

۵. سدیدالسلطنه، همان؛ ص ۲۱.

۶. سعیدی‌نیا، معین التّجار و احیاء تجارت دریایی، همان؛ صص ۸۸-۸۷.



معین‌التجار برای تثبیت مالکیت خود بر اراضی ممسنی، به دو عامل محلی و فرامحلی، یعنی نیروهای دولتی و خارجی (انگلیس)، احتیاج داشت. وی با نفوذ در بین خوانین و کدخدایان، انسجام ایلی را متلاشی کرد و دست به مهره‌چینی جدید در منطقه زد تا بتواند عامل محلی را نیز بر سایر عوامل بیفزاید. حسین‌قلی‌خان بکش که از دشمنان سرسخت مالکیت معین‌التجار بر املاک ممسنی بود، بیش از سایر خوانین در معرض ضربات نفاق‌انگیز قرار گرفت؛ به طوری که برادرزاده وی، نصیرخان، برای رسیدن به مقام کلانتری، به جنگ با عموی خود برخاست اما در این راه کشته شد. بعد از کشته شدن نصیرخان، حسین‌قلی‌خان به سمت معین‌التجار گرایش پیدا کرد و بدین ترتیب، کشتارها ادامه یافت تا به اوج خود رسید. سرانجام ترفند معین‌التجار در تفرقه‌افکنی و نفاق بین خوانین به جایی انجامید که عزل و نصب خوانین به دست معین‌التجار بوشهری، انجام می‌گرفت و تمام قدرت را در آن منطقه در قبضه قدرت خویش درآورده بود.^۱ به استناد منابع محلی و معمّین منطقه، اراضی خالصه ممسنی که به معین‌التجار واگذار شد، شامل سه روستا از نواحی کوهستانی ممسنی، بکش و جاوید است.^۲ معین‌التجار با استفاده از قدرت حکومت و نفوذ در هیئت حاکمه و ایجاد دودستگی و نفاق بین خاندان‌های ممسنی، قراردادی را مشتمل بر شش فصل و شش شرط بر مردم تحمیل کرد که این قرارداد به امضای ۲۸ نفر از کلانتران، متنفذین محلی و کدخدایان وقت ممسنی از جمله فتح‌الله‌خان جاویدی، نصرالله‌خان فرزند جعفرقلی‌خان رستم، امام‌قلی‌خان پسر شریف‌خان بکش و جمعی از سران ممسنی می‌رسد.^۳ معین‌التجار در این قرارداد حتی بر فرآورده‌های درختان کوهی نیز مالیات بسته بود و همچنین خوانین منطقه متعهد شدند مالیات روستاها و افراد تحت مدیریت خود را جمع‌آوری کنند و تحویل انبار معین‌التجار بوشهری دهند. بدین ترتیب، معین‌التجار مطابق این قرارداد، صاحب اراضی شولستان، طایفه بکش، رستم و جاوید شد.^۴ از سال ۱۳۰۹ هـ.ش/۱۹۳۰ م، یکی از ورثه سیداسماعیل شبانکاره با نام خورشید بیگم شبانکاره، مدعی حق مالکیت املاک ممسنی شد و علیه حاج معین‌التجار در مجلس شورای ملی شکوائیه‌ای تنظیم کرد و رونوشت آن را به نخست‌وزیر وقت، وزارت دادگستری، وزارت دارایی، روزنامه *ایران* و *اطلاعات*، ارسال نمود و خواستار توجه بیشتر به شکایت‌نامه او در خصوص حاکمیت بر املاک ممسنی شد. اما این ادعا راه به جایی نبرد.^۵

معین‌التجار در بندر لنگه نیز صاحب املاکی بود. در سال ۱۳۲۳ هـ.ق/۱۹۰۵ م، خانه‌ای معروف به «طویله شیخی»، مورد نزاع میان ایشان و رؤسای گمرکات وقت بود. وقتی معین‌التجار با این موضوع مواجه شد، متقابلاً ادعای مالکیت آن‌جا را نمود و مسیو بورژوا (مسئول گمرک بندر لنگه) از سر سادگی و بدون هیچ‌گونه اطلاعی، کاغذی به معین‌التجار نوشته و از او خواهش نمود که ملک مذکور را به گمرک اجاره دهد. از آن پس معین‌التجار با در دست داشتن همان کاغذ، مدعی دارا بودن سند مالکیت آن‌جا بود.^۶

۱. اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، همان؛ صص ۹۹-۹۸.

۲. مجیدی کرابی، نورمحمد، *تاریخ و جغرافیای ممسنی* (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱)؛ ص ۴۰۷.

۳. نک: سند شماره ۱.

۴. اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، همان؛ صص ۶۱-۶۰.

۵. سعیدی‌نیا، همان؛ صص ۸۹ و ۹۰.

۶. همان؛ صص ۹۹ و ۱۰۰.

وزارت مالیه در خصوص بنای مزبور در بندر لنگه اقدام به یک تحقیق محلی نمود. نتیجه‌ای که حاصل شد این بود که طویله شیخی، در اصل جزو املاک و متصرفات شیخ محمد بن حنیفه بوده است و پس از آنکه وی یاغی می‌شود، به تصرف دولت درمی‌آید و در نهایت، دعوی معین‌التجار به دلیل نبودن اسناد لازم، تأیید و تصدیق نمی‌شود.^۱ پس از تصرف بندر لنگه و فرار شیخ محمد بن خلیفه، املاک و ضیاع وی بین احمدخان دریابگی و حاج محمد معین‌التجار تقسیم شد و بعد از مدتی سعایت ناظم‌التجار، خواهرزاده حاج معین‌التجار که در آن وقت در بوشهر اقامت داشت، میان این دو نفر کدورتی به وجود آورد.^۲ در خصوص مالکیت ساختمان و زمین‌های گمرک نیز ابهاماتی وجود دارد و گفته می‌شود که معین‌التجار و فرزندانشان، حتی گمرک بوشهر را نیز جزو مایملک خانوادگی خود می‌دانستند. از دیگر تلاش‌های معین‌التجار در جهت گسترش تجارت خارجی و کسب سرمایه و درآمد بیشتر، ساخت و تجهیز اداره گمرک بوشهر و انبارها و امکانات آن بود. گمرک بوشهر از املاک پردرآمد وی بود.^۳ در سال ۱۹۰۵ هـ.ق.، معین‌التجار اداره گمرک بوشهر را به دست گرفت و از جایگاه مستحکم‌تری برخوردار گردید. سپس شایعاتی مبنی بر اینکه او نقش مهمی در تصمیمات حاکم دارد، منتشر شد.

ساختمان و تجهیزات گمرک بوشهر و املاک معین‌التجار در دوره قاجار، در اجاره وزارت مالیه بود و همواره وی و بعدها ورثه‌اش حتی در دوران سلطنت پهلوی هم از آن اجاره دریافت می‌کرده‌اند.^۴ همچنین معین‌التجار املاکی در کرمان و اهواز خریداری کرد و املاک خود را در اهواز به شرکت نفت اجاره داد و مصالحه‌نامه‌ای برای مدت دو سال (۱۳۴۰-۱۳۳۸ هـ.ق.) برای سه دانگ روستای عزیزآباد واقع در بم کرمان تنظیم و منعقد شد.^۵

فعالیت‌های فرهنگی حاج معین‌التجار

معین‌التجار بوشهری در زمینه ساخت و سازهای عام‌المنفعه و امور خیریه و بشردوستانه، اقدامات زیادی انجام داد که به برخی از فعالیت‌های ایشان اشاره خواهد شد. یک سال پس از تأسیس مدرسه سعادت به دلیل آنکه مدرسه گنجایش دانش‌آموزان جدید را نداشت، تصمیم گرفته شد تا قطعه زمینی مناسب برای احداث بنای جدید مدرسه در نظر گرفته شود. این کار با همت تجار بوشهری به نحوی شایسته انجام شد و قطعه زمینی از اراضی حاج محمد مهدی ملک‌التجار که به حاج محمد معین‌التجار واگذار شده بود، جهت ساختمان مدرسه جدید اختصاص یافت.^۶ آن قطعه زمین واگذار شده، به اندازه دو هکتار بود که با تلاش معین‌التجار، شالوده ساختمان مدرسه مشتمل بر شش کلاس بزرگ و یک سالن و

۱. همان؛ صص ۱۰۰.

۲. سعادت، همان؛ ص ۱۴۹.

۳. سعیدی‌نیا، پژوهش‌نامه خلیج فارس، همان؛ ص ۹۹.

۴. دشتی، همان؛ ص ۱۷۷.

۵. «مصالحه‌نامه بین معین‌التجار و عدل‌السلطنه»، شوال ۱۳۳۸، اسناد معین‌التجار، ۸-۱۱۶۹۵۷ هـ.ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی فارسانی، سهیلا، تجار مشروطیت و دولت مدرن (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴)؛ ص ۴۵۲.

۶. دشتی، همان؛ ص ۱۵۰.



چهار راهرو بنا گذاشته شد.^۱ وکلای مجلس، ضمن مساعدت مالی به مدرسه، از تجار جهت مشارکت عمومی دعوت به عمل می‌آوردند. با نگاهی به صورت‌جلسات هفتگی مدرسه و دفاتر اعانات، می‌توان فهرستی از کمک‌های مالی آنان در سال‌های نخستین تأسیس مدرسه خصوصاً کمک‌های حاج محمد معین‌التجار بوشهری، (ماهانه ده تومان و جمعاً سالیانه ۱۲۰ تومان) اطلاعاتی به دست آورد.^۲ از جمله تجاری که در دهه نخستین مدرسه سعادت، نقش بسزایی در راه‌اندازی چرخ‌های آن برعهده داشت، حاج معین‌التجار بوشهری بود. او ضمن واگذاری زمین، در تأمین اعتبارات مالی آن بسیار مؤثر بوده است. وی در سایه تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیرش در مدت هشت سال (۱۳۲۵-۱۳۱۷هـ.ق.)، در شوال ۱۳۲۵هـ.ق. به عنوان رئیس اتحادیه بوشهر شناخته شد.^۳

ایشان به لحاظ اجتماعی نیز معتبر، قابل وثوق و پیش‌قدم در امور خیریه بود و در فعالیت‌های انسان‌دوستانه، حضوری پررنگ می‌یافت؛ به عنوان نمونه، معین‌التجار دهمدستی به آسیب‌دیدگان زلزله خراسان کمک فراوان نمود؛ از جمله «اعانه هزارتومانی معین‌التجار بوشهری (دهدشتی) به آسیب‌دیدگان زلزله خراسان که از طریق دربار فرستاده شد.»^۴ هم‌چنین معین‌التجار ساختمانی را برای تأسیس مدرسه «محمدیه» در بندر لنگه واگذار کرد.^۵

فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه وی تنها به داخل ایران خلاصه نمی‌شد و اقدامات او به‌ویژه در زمینه مذهبی به عتبات عالیات هم کشیده شد و با توجه به آنکه معین‌التجار خود زمانی در نجف اشرف به خدمت و ارادت به معصومین پرداخته بود، می‌توان به نکته‌هایی از مسائل اعتقادی وی پی برد. وی در جهت رفاه حال زائرین عتبات نیز خواهان اقداماتی در آن زمینه بوده است.

در سال ۱۳۰۱هـ.ق.، معین‌التجار با همکاری میرزا مهدی ملک‌التجار طی نامه‌ای به صدراعظم عثمانی، به رابطه توسعه تجارت و احداث راه‌های شوسه، خطوط تلگرافی و راه‌آهن و اختراعات جدید، اشاره کردند و حتی امتیاز تأسیس راه‌آهن بغداد به کربلا و نجف و لوله‌کشی آب نجف را تقاضا نمودند و از دولت عثمانی خواستند تا مطابق قوانین، همکاری‌های لازم را با آنان انجام دهد.^۶

فعالیت‌های اقتصادی

معین‌التجار بوشهری در عرصه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، از سرآمدان عصر خویش بود اما همان‌گونه که از لقب وی مشخص است، در زمینه اقتصاد و تجارت، اشتها بسیار داشت و احیاگر تجارت و

۱. مشایخی، عبدالکریم، مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه (مجموعه مقالات، عکس و اسناد) (بوشهر: مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۸)؛ ص ۲۴.

۲. همان؛ ص ۸۶.

۳. همان؛ ص ۸۷.

۴. «از معین‌التجار بوشهری به [گمنام]»، ۱۲ تیر ۱۳۰۸، نمره ۴۲۵؛ به نقل از: ترابی فارسانی، همان.

۵. «از عبدالرحیم عبدالوهاب مشکینی به معین‌التجار»، ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۸ / ۱۹ فوریه ۱۹۲۰، نمره ۱۱۵۶۵۱-ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی فارسانی، همان.

۶. «نامه معین‌التجار و حاج مهدی ملک‌التجار به صدر اعظم»، ۷ رجب ۱۳۰۱ هـ.ق.، نمره ۱۱۵۴۴-ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی فارسانی، همان؛ ص ۲۳۷.



اقتصاد در جنوب ایران آن هم در بحرانی‌ترین برهه اقتصادی، یعنی از وقوع مشروطه و عبور از حوادث سال‌های ۱۹۰۷، ۱۹۱۱ و ۱۹۱۵م. و بالأخره وقوع جنگ جهانی اول، محسوب می‌گردد.

ناصرالدین شاه طی فرمانی مهم، مفاد امتیازنامه کمپانی ناصری را تشریح و انگیزه واگذاری آن را در «آبادی و ترقی کشور» برشمرد و گفت: از آنجا که سد اهواز از برای عموم ملت، آزاد شده، دولت ما نیز محض افتخار ملت ایران، بخش بالای سد تا شوشتر و دزفول را مخصوص رعایای دولت خودمان قرار داده و چون مقرب الخاقان، حاجی آقا معین‌التجار، دارنده کمپانی ناصری بود، این امتیاز را به وی بخشید.^۱ ناصرالدین شاه پس از واگذاری امتیازنامه کارون به برادران لینچ، امتیاز کمپانی ناصری را که نوعی شراکت در امتیاز کشتیرانی در کارون بود در سال ۱۳۰۷/۱۸۹۰م، به حاج محمد معین‌التجار بوشهری واگذار کرد. بر اساس فصل اول امتیازنامه، ده هزار ذرع زمین متصل به گمرک‌خانه به طور مجانی به کمپانی واگذار شد که تعدادی عمارت مطابق با نقشه کمپانی لینچ بنا نماید و به لینچ اجاره دهد.^۲ معین‌التجار با شرکت چند تن از تجار دهدشتی، شرکت راه‌آهنی را تأسیس کردند که آن را شعبه‌ای از کمپانی ناصری می‌نامیدند که میزان سهام آن‌ها به شرح ذیل بوده است:^۳

معین‌التجار: ۱۴۰ سهم

حاج محمد دهدشتی: ۱۴۰ سهم

حاج محمد رضا دهدشتی: ۱۵ سهم

حاج محمد جواد دهدشتی: ۱۵ سهم

حاج محمد رحیم معاون‌التجار دهدشتی: ۱۵ سهم

معین‌التجار فعالیت اقتصادی گسترده‌ای در جنوب انجام داد. وی که از آگاهی سیاسی و قدرت اقتصادی خوبی برخوردار بود، از تجار متوسط جنوب خواست تا در بستن سد اهواز، خط آهن خوزستان، و آوردن کارخانه به منطقه، با وی شراکت کنند.^۴

یکی دیگر از کمپانی‌هایی که توسط معین‌التجار و با مشارکت عده‌ای از بازرگانان معتبر بوشهر در اوایل سده چهاردهم هجری قمری و نیمه دوم سده نوزدهم میلادی (۱۳۰۲هـ.ق/۱۸۸۳م.) برای انجام امور تجارت داخلی و خارجی به خصوص تجارت با اروپا تأسیس شد، کمپانی «تجارتی ایران» بود. این کمپانی در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید.^۵ معین‌التجار در عصر مظفری، همانند عصر ناصری دوباره توانست امتیاز فروش خاک سرخ جزیره هرمز را از دست شاه ایران بگیرد و با شرکت‌های خارجی در این خصوص قراردادهایی را به امضا رسانید. طبق گزارش کاکس، معین‌التجار در ماه نوامبر ۱۹۰۵م./۱۳۲۳هـ.ق، در

۱. «فرمان ناصرالدین شاه در واگذاری امتیاز به کمپانی ناصری و همکاری با کمپانی لینچ»، شعبان ۱۳۰۷هـ.ق؛ نیز نک: سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۹۴.

۲. «فرمان ناصرالدین شاه در اعطای امتیاز به معین‌التجار»، شعبان ۱۳۰۷؛ به نقل از: ترابی فارسانی؛ ص ۶۷.

۳. شاهرخ مقدم، پروانه، «علل مهاجرت تجار دهدشتی به بوشهر و نقش آن‌ها در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۹۱؛ ص ۴۵.

۴. «تلگراف از بوشهر»، روزنامه جنوب، ۳۰ رمضان ۱۳۲۹، ش: ۳۵؛ ص ۸؛ به نقل از: ترابی فارسانی؛ نیز نک: شاهرخ مقدم، همان؛ ص ۴۴.

۵. معتمد، خسرو، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران (تهران، جانزاده، ۱۳۶۶)؛ صص ۶۲۹-۶۲۷.

حالی که یک مهندس انگلیسی با نام مک کرونیک همراه او بود، با یکدیگر از جنوب هرمز و قشم دیدن کردند. معین‌التجار از انگلیسی‌ها خواست تا از ایستگاه انگلستان برای انبار کردن اکسید قرمز استفاده کند، اما آنان مخالف این پیشنهاد بودند.^۱

درخصوص شروع فعالیت اقتصادی و تجاری ایشان به طور کاملاً رسمی، می‌توان به حضور در تشکلهای اجتماعی - اقتصادی مانند مجلس وکلای تجارت اشاره کرد. «مجلس وکلای تجار نخستین تجمع گروهی تجار برای بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی - سیاسی بود. مجلس وکلای تجار که نخستین تشکل اقتصادی قبل از مشروطیت بود، در اصل ماهیتی سیاسی داشت. در این مرحله، تجار به نوعی آگاهی طبقاتی دست یافتند و به ضرورت حمایت از منافع مشترک خود در مقابل هجوم سرمایه‌های خارجی پی بردند.^۲ معین‌التجار به عنوان یک تاجر، به منظور حفظ منافع شخصی خود، سعی در خارج کردن کالاهای رقبای اروپایی خود داشت و از سویی همان‌طور که حس ناسیونالیستی هر انسان آگاهی، منفعت ملت و وطنش را مسلماً بر علایق و تمایلات اقتصادی بیگانه، ترجیح می‌داد. معین‌التجار نیز با نطق معروفش در مجلس اول مشروطه، این موضوع را به اثبات رسانیده بود.

یک شورای عالی تجارت در عهد احمدشاه قاجار به ریاست معین‌التجار تشکیل شد. این شورا متشکل از ۱۲ عضو بود که شش عضو آنها از میان تجار انتخاب می‌شد و شش عضو دیگر توسط دولت وقت. اعضا در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری کشور صاحب نظر بودند.^۳ تجار آن مجلس، نیازها و پیشنهادهای خود را در کتابچه یا اساس‌نامه‌ای بدین شرح مطرح ساختند:

- (۱) احترام به ممالک فردی و تأمین حقوق مالی افراد با تشکیل دفتر ثبت املاک؛
- (۲) حفظ املاک و مستغلات؛
- (۳) به منظور جلوگیری از سوء استفاده عمال دیوانی در پرداخت دیون آنها به تجار؛
- (۴) در اختیار گرفتن بازار پولی کشور با پیشنهاد تأسیس بانک مخصوص اداره تجارت؛
- (۵) حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی؛
- (۶) رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای خارجی؛
- (۷) سپردن امور تجار، وصل و فصل دعاوی و معاملات آنها به مجلس تجارت.^۴

معین‌التجار پس از ورودش به عرصه تجارت، روابط تجاری با غرب را آغاز کرد و نبض تجارت دریایی ایران در خلیج فارس را به کنترل قاطع خود درآورد. هم‌چنین تجارت داخلی و خارجی جنوب ایران را در دست گرفت و با هند و لندن رابطه‌ای تجاری برقرار ساخت. او رابطه تجاری قابل توجهی با انگلستان داشت.^۵ هم‌چنین به منظور سر و سامان بخشیدن به ورود و خروج کالاها در بنادر جنوب، به بررسی

۱. گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه (تهران: پروین، ۱۳۷۷)؛ ص ۲۵.

۲. ترابی‌فارسانی، همان؛ ص ۹۴.

۳. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه)، ج ۳ (تهران: زوار، ۱۳۷۱)، چاپ سوم؛ ص ۵۱۴.

۴. «عریضه تجار به ناصرالدین شاه (۱۳۰۱ هـ.ق.)»، پرونده عریضه‌های امین‌الضرب به شاه (آ.ا.ض.)، به نقل از: آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی (در آثار منتشر نشده در دوران قاجار) (تهران: آگاه، ۱۳۶۵)؛ صص ۳۲۴-۳۱۴.

۵. عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲ هـ.ق.)، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، چاپ

(موم)؛ ص ۶۴.

وضعیت گمرکات جنوب پرداخت و بر مدیریت و ساختار آن نظم بیشتری بخشید. ساخت و تجهیز اداره گمرک بوشهر و انبارها و امکانات آن در راستای بهبود شرایط واردات و صادرات کالا، از طریق این بندر بود. یکی از اقدامات اساسی معین‌التجار در اوایل جنگ جهانی اول، این بود که همانند امین‌الضرب درصدد برآمد تا قسمتی از سرمایه خود را در صنایع و منابع ملی سرمایه‌گذاری نماید؛ به همین دلیل، کارخانه ابریشم‌بافی امین‌الضرب را که حدود سیصد هزار تومان خرج برداشته بود، به مبلغ نود هزار تومان خریداری کرد ولی او نیز با توجه به مسائل و مشکلات بین‌المللی و داخلی نتوانست در این سرمایه‌گذاری به موفقیت چندانی دست یابد.^۱

از دیگر برجستگی‌های معین‌التجار در اواخر عهد قاجار، آن بود که وی ضامن پا برجا ماندن پرچم ملی ایران در نقاط جنوبی و سواحل ایران محسوب می‌شد.^۲ او در املاک خود که تقریباً اکثر قسمت‌های جنوبی ایران را دربر می‌گرفت، بابت جلوگیری از جایگزینی پرچم بیگانگان به جای پرچم ملی ایران، سالیانه مبلغی حدود یکصد تومان اجاره دریافت می‌کرد.^۳

معین‌التجار در دوره رضاشاه هم از توان مالی و نفوذ سیاسی ویژه‌ای برخوردار بود. چنان که در سال ۱۳۰۴ هـ.ش. موفق شد «شرکت شرق» را برای داد و ستد با شوروی تأسیس کند و هنگامی که راه‌آهن شمال کشیده شد، شرکتی با نام «شرکت طبری» تأسیس کرد ولی پس از مدتی مورد خشم رضاشاه قرار گرفت و شرکت را از دست داد.^۴

موقعیت اقتصادی و اجتماعی معین‌التجار تنها محدود به موارد مزبور نبود؛ معین‌التجار حتی حقوق و مزایای برخی از سران دولت را نیز شخصاً می‌پرداخت. از جمله پرداخت حقوق میرزا محمدعلی‌خان مستوفی‌الدوله توسط معین‌التجار از این قبیل بود.^۵

فعالیت‌های سیاسی

حاج معین‌التجار در وقوع انقلاب مشروطه و جریانات قبل و پس از آن، از فعالان سیاسی‌ای بود که از همان اولین دوره مجلس شورای ملی به طور برجسته، خود را در عرصه سیاست مطرح ساخت و زندگی سیاسی خود را در کنار شغل اصلی‌اش یعنی تجارت رسماً آغاز کرد.

قبل از تشکیل مجلس شورای ملی، مجلسی از تجار تشکیل شده بود که اعضای آن در پا گرفتن بنیان انتخاباتی مجلس شورای ملی نقشی اساسی ایفا کردند. چند نفر از تجار معتبر و معروف به امانت، مانند سید محمدصراف علوی، محمدتقی شاهرودی، امین‌الضرب، حاج علی شالفروش، معین‌التجار بوشهری و محمدتقی بنکدار و عده‌ای دیگر، زمام امور بازار را در دست گرفتند و بدون آنکه بدانند چه می‌خواهند و مقصد نهایی ایشان چیست و چه پیش خواهد آمد، یک مرکز مهم و مستعد برای انقلاب تشکیل دادند که

۱. سعیدی‌نیا، همان؛ صص ۱۰۲-۱۰۱.

۲. گزارش‌های سالانه سرپرستی کاکس - سرکنسول انگلیس در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه (تهران: پروین، ۱۳۷۷)؛ صص ۲۵.

۳. همان؛ صص ۱۰۲.

۴. همان؛ صص ۱۰۴.

۵. «وزارت مالیه به معین‌التجار»، بی‌تا، ۱۱۵۱۶۵-ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی فارسانی، همان؛ صص ۲۳۹.



در آینده، عامل مهمی برای به دست آوردن مشروطیت گردید.^۱ زمانی که تجار برای برقراری مشروطه، در سفارت انگلستان تحصن کرده بودند، معین‌التجار در مقابل عین‌الدوله می‌گوید:

هیچ‌کس از ترس حرفی نمی‌زند و نمی‌گوید که چه می‌خواهند ... من از این جماعت نیستم و حرف را پوست‌کنده می‌گویم، این جماعت که خدمت شما هستند، جسمشان خدمت شما و روحشان پیش متحصنین است و با آنها هم‌فکر و هم‌عقیده هستند؛ مجلس می‌خواهند.

عین‌الدوله نیز می‌گوید:

«ما که قرار مجلس عدالت دادیم.»

معین‌التجار می‌گوید:

«آن‌ها مجلس مبعوثان می‌خواهند؛ از همان مجلس که در تمام دنیا هست.»^۲

از قضایا برمی‌آید که معین‌التجار به هیچ‌وجه با دولت عین‌الدوله موافق نیست و البته با توجه به سابقه دوستی و آشنایی که حاج معین با امین‌السلطان داشته است، این احتمال وجود دارد که درصدد کارشکنی برای عین‌الدوله و مهیتا کردن شرایط برای رئیس‌الوزرای مجدد امین‌السلطان باشد و این نیز به حقیقت پیوست و امین‌السلطان بار دیگر توانست به مقام سابق خود دست یابد. در مجلس اول مشروطه، حاج معین بوشهری گفت:

عین‌الدوله مکرر اظهار کرده بود که دولت، کسر خرج ندارد و در زمان صدارتش بودجه را تعدیل کرده است. خوب است برای اطلاع مجلس، صورت جمع و خرج سه‌ساله اخیر دولت را بیاورد تا از نظر نمایندگان بگذرد.^۳

حضور در مجلس اول شورای ملی

اولین دوره مجلس شورای ملی، بیشتر جنبه طبقاتی داشت. نمایندگانی از طبقه اصناف نیز در این مجلس حضور داشتند. تجار، یکی از اصنافی بودند که از حضور فعال و نفوذ بالایی برخوردار بودند؛ از جمله مناطقی که تجار آن در انجام دقیق انتخابات مطابق با نظام‌نامه هم‌چون تشکیل انجمن نظار، نقش بارزی ایفا نمودند، تجار بوشهر بودند و در همین راستا دست به تشکیل انجمن نظار در منزل ملک‌التجار زدند. رقابت تجار در این شهر آن قدر شدید بود که یکدیگر را به اعمال نفوذ در انتخابات متهم می‌ساختند.^۴ حاج معین‌التجار یکی از تأثیرگذارترین نمایندگان جنوب در مجلس اول شورای ملی و یکی از اعضای گروه تاجران بود که با افرادی از جمله عبدالله بهبهانی و محمد طباطبایی، ارتباط نزدیکی داشت و از طریق ناظم‌الاسلام کرمانی، در زمره تاجران ثروتمندی قرار گرفت که در جولای و آگوست ۱۹۰۶م، از افراد تأثیرگذار و متنفذ به شمار می‌رفتند. در اواسط آگوست در تهران، به یکی از عاملان خود ضمن تلگرافی اعلام داشت که به وسیله اعلانیه‌ای به اطلاع عموم برسانند که او نماینده تمام گروه‌ها خواهد بود. سپس از عاملان خود خواست که امنای بوشهر، تلگراف‌هایی مبتنی بر تشکر به شاه مخابره کنند. هدف او از انجام

۱. ملکزاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱ (تهران: سخن، ۱۳۸۳)؛ صص ۲۵۵-۲۵۴.

۲. همان؛ ج ۲، ص ۳۷۶.

۳. همان؛ صص ۴۰۲.

۴. سعیدی‌نیا، معین‌التجار و احیاء تجارت دریایی، همان؛ ص ۱۰۵.

این کار، مطرح نمودن خود به عنوان یک فرد مهم در بندر بوشهر و بنادر خلیج فارس در شورایی بود که مقرر شده بود در زمانی مناسب تشکیل شود. این حرکت، آغازی برای متمایز شدن معین‌التجار در ساختارهای جدید حکومتی به شمار می‌آمد که آن زمان در ایران مطرح شده بود. معین‌التجار، یکی از تجار با نفوذ و آگاه به مسائل سیاسی ایران بود و جهت تحقق نظام مشروطه و بهبودی اوضاع سیاسی و اقتصادی مملکت در پی ورود به مجلس برآمد و در این زمینه، به طرق مختلفی از جمله پرداخت پول به اعضای انجمن مخفی هم‌چون آقا میرزا محمد صادق طباطبایی تلاش زیادی نمود تا اینکه موفق شد از طرف طبقه تجار به مجلس راه یابد.^۱

در مجلس اول شورای ملی، حاج محمد معین‌التجار به عنوان نماینده طبقه تجار به همراه نه نفر دیگر از تجار، انتخاب و وارد مجلس شد. سیدحسن تقی‌زاده در خصوص موقعیت معین‌التجار، لحظه‌ای که وارد مجلس شد، می‌نویسد:

انتخاباتی که در طهران شده بود ... هرصنفی یک وکیل داشتند. اعیان، ده نفر، تجار هم ده نفر بودند. تجار خیلی گردن کلفت چند نفر بودند؛ یکی پدر همین بوشهری (امیرهمايون) حاج معین‌التجار ... بود.^۲

از اکتبر ۱۹۰۶م، قوانین انتخاباتی در ایران به اجرا درآمد. در بندرعباس، با تلاش معاون استاندار، جلسه‌ای برای انتخاب وکلای مجلس، ترتیب داده شد. مردم به اتفاق، موافق معین‌التجار بودند؛ وی ذیل طوماری، امضای آن‌ها را اخذ کرد. در جلسه مشابهی که در بوشهر برگزار گردید، این تصمیم‌گیری با وقفه مواجه گردید. نظرات مختلفی مبنی بر این موضوع که آیا معین‌التجار انتخاب شود یا خیر، مطرح گردید. این‌گونه به نظر می‌رسید که کاندیداهای دیگر دارای صلاحیت لازم نیستند. مخالفت‌هایی در خصوص انتخاب نکردن وی، ادامه یافت تا اینکه در اواخر ماه نوامبر (زمانی که جلسه‌ای با حضور مقامات بوشهر ترتیب داده شد و استاندار در این جلسه اعلام کرد که سه نفر از شهرهای خلیج فارس که مستمری هزار تومانی دارد، انتخاب شوند) با وجود مخالفت‌هایی که نشان داده شد، معین‌التجار به عنوان نماینده بنادر خلیج فارس، با تأیید تاجران تهران، توانست به مجلس راه یابد و یک فرد تأثیرگذار در نظام جدید به شمار آید. معاون کنسولگری عثمانی در بوشهر که مطلع شده بود ممکن است منصبش را از دست بدهد، ضمن تلگرافی از معین‌التجار تقاضا کرد تا از نفوذ خود در تهران استفاده کند و در ابقای او بکوشد.

هم‌زمان با دوره اول مجلس شورای ملی، از یک سو بحران مالی کشور را فرا گرفته بود و از سوی دیگر کمبود نقدینگی موجب شد تا دولت مشیرالدوله پیشنهاد استقراض خارجی را مطرح نماید. با این پیشنهاد بود که بحث‌های مفصلی مبنی بر زیان وام‌گیری از خارجیان، مطرح گردید. معین‌التجار از مشخص‌ترین وکلای مجلس، به تجزیه و تحلیل و مخالفت با این پیشنهاد پرداخت. وی طی نطقی، شرایط وام را به تفصیل بررسی و زیان‌های آن را برشمرد. وی هم‌چنین اظهار داشت کشورهای غربی بدون اینکه منفعتی کسب نمایند، به پرداخت وام مبادرت نمی‌کنند. هم‌چنین ایشان با نطق‌های مؤثر خود از تأسیس بانک ملی دفاع کرد و همه افراد متمول و مردم عادی را به حمایت و پشتیبانی از بانک ملی فراخواند.

۱. سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۰۶.

۲. تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸)، چاپ اول؛ ص ۶۰.



هنوز مجلس از کارهای داخلی خود خلاص نشده بود و قانون اساسی به صحه شاه نرسیده بود و حدود اختیارات و مسئولیت وزرا در مقابل مجلس معلوم نشده بود که از طرف صدراعظم (مشیرالدوله) لایحه‌ای برای استقراض بیست کرور تومان با همان شرایط ننگین استقراض‌های سابق، تقدیم مجلس شد.^۱ معین‌التجار اظهار داشت برای حفظ استقلال کشور، بهتر است وجهی، از تجار داخلی تدارک شود تا در زیر بار ننگ اجانب نروند.^۲ در کتاب نازنجی که اسناد مربوط به وزارت خارجه روسیه در آن درج است، در این زمینه چنین بیان شده است:

حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری، از بازمندگان سرشناس و آبرومند، نخستین کسی بود که با دریافت وام از روسیه مخالفت کرد.^۳

در مقابل پیشنهاد دولت، همه‌مهم‌ای به مجلس می‌افتد که در این میان، معین‌التجار، کردانی فوق‌العاده‌ای از خود نشان می‌دهد و سپس دلیرانه چنین می‌گوید:

باور من این است که این بیست کرور بدهی که دولت می‌گوید، راست نیست زیرا شاهزاده اتابک (عین‌الدوله) همیشه خودستایی نموده که درآمد و دررفت دولت را به اندازه هم گردانیده‌ام و ششصد هزار تومان هم فزونی می‌داریم که در نزد تومانیان است. ما او را تا این اندازه دروغگو و یاهوسرا نشناخته‌ایم. دولت، رویه درآمد و دررفت سه سال بازپسین را به مجلس بفرستد تا رسیدگی کنیم. اگر به راستی، دولت بدهکار است به گردن توده خواهد بود که آن را راه بیندازد، ولی نه از راه وام گرفتن از روس و انگلیس و آن هم با این شرط‌های سنگین که برای چهار کرور پول کشور را به دست آنان بسپاریم و ...^۴

از گفته‌های پرمغز و دلیرانه معین‌التجار، تحوّل در احوال مجلس پدیدار شد و نمایندگانی که با پیشنهاد دولت، موافق نبودند، به وجد آمدند و کسانی که موافق دولت بودند، خاموش شدند. این سخنان معین‌التجار در شروع به کار مجلس، نتیجه نیکی در پیش داشت؛ یکی آنکه مجلس ارج بیشتری پیدا کرد، زیرا درباریان و بیگانگان می‌پنداشتند که چون ایرانیان تازه با تحوّل نو در سازمان حکومتی مواجه شده‌اند و در این زمینه، آگاهی چندانی ندارند، تنها به آن بسنده خواهند کرد که تنها در درون کشور قانون باشد و داستان خودکامگی در میان نباشد و این نطق معین‌التجار، نادرستی پندار و گمان ایشان را نشان داد و به ارزش مجلس افزود و آوازه این ایستادگی و سخنرانی معین‌التجار تا روزنامه‌های اروپایی نیز رسید.^۵ معین‌التجار با شراکت حاج رحیم اتحادیه و میرزا ابوطالب اسلامیه و حاج میرزا علی صراف و تعدادی دیگر، پیشنهاد استخراج نفت مازندران را نیز به دولت می‌دهند و قراردادی بین این افراد با وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، منعقد و برای تصویب و مجوز نهایی به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود.^۶

۱. ملکزاده، همان؛ ج ۲، ص ۴۰۳.

۲. به نقل از: ترابی‌فارسانی، ۱۷ شعبان، ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الأول ۱۳۲۶؛ صص ۱۵-۱۰ و نیز نک: شاهرخ مقدم، همان؛ ص ۴۴.

۳. سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۹۸.

۴. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تبریز: نشر اختر، ۱۳۸۸، چاپ سوم)؛ صص ۲۰۱-۲۰۰.

۵. همان؛ ص ۲۰۳.

۶. «نامه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه به مجلس شورای ملی» (بی‌تا) ۸-۱۱۶۶۰۶-ق. (م. ا. ب.) ۱۱۵۱۹۵-ق. و ۱۱۵۳۱۸-ق.

ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی‌فارسانی، همان؛ ص ۲۵۱.

حضور در مجلس سوم شورای ملی

در مجلس سوم شورای ملی، معین التّجار از طرف مردم بوشهر به نمایندگی برگزیده می‌شود. وی در فراکسیون‌های این دوره از مجلس، از اعضای حزب اعتدالیون بود و پاره‌ای اوقات نیز به رهبری این حزب انتخاب می‌شد. اعتبارنامه وی از طرف اعضای انجمن نظارت حوزه انتخابیه بوشهر مورد تأیید قرار گرفت و به قرار ذیل است:^۱

ما امضاکنندگان ذیل اعضای انجمن نظارت حوزه انتخابیه بندر بوشهر تصدیق می‌کنیم که جناب حاجی آقا محمد معین التّجار بوشهری پسر مرحوم حاجی محمدرحیم که شغلش تجارت و ملاکی است و سنش شصت و دو سال و ساکن طهران است، در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۲ واقع شده، به اکثریت ۳۷۵ رأی از ۵۲۴ رأی‌دهندگان، به نمایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید...

معین التّجار برخلاف دوره اول که بسیار فعال و بانفوذ بود، در دوره سوم مجلس از قدرت و فعالیت لازم برخوردار نبود که از جمله نشانه‌های آن می‌توان به انتخاب هیئت رئیسه، نواب و منشیان مجلس در جلسه ۲۱ اشاره نمود. وی برای در اختیار گرفتن یکی از چهار کرسی منشی‌گری مجلس ثبت نام کرد که از ۶۷ رأی فقط یک رأی به دست آورد. حتی در همان جلسه برای اینکه به عنوان یکی از سه نفر مباشر مجلس نیز انتخاب شود، اعلام آمادگی کرد ولی باز از مجموع ۶۵ رأی فقط یک رأی گرفت. علل مختلفی در عدم نفوذ وی در مجلس سوم دخیل به نظر می‌رسید که از مهم‌ترین آن‌ها، کنار کشیدن تجار بعد از مجلس اول از امور سیاسی و صرفاً پرداختن به مسائل و منافع اقتصادی خود و نیز جنس مجلس سوم بود که کمتر رویکرد طبقاتی داشت. لذا طبقه تجار به مراتب بیش از سایر طبقات نفوذ خود را در مجلس از دست دادند. ایشان در این مجلس اقدام مهم و منحصر به فردی نداشت ولی تمام فعالیت‌های او در این دوره با رویکرد اقتصادی و حفظ منافع طبقه تجار متممک و پرسرمایه‌ای هم‌چون خود ایشان انجام شد که از جمله آن اقدامات، موافقت با فروش خالصات بود که در جلسه شصت و نهم مجلس صورت گرفت.^۲

پس از انجام مقدمات و تصویب اعتبارنامه‌ها، چهار گروه پارلمانی در مجلس تشکیل شد که نخستین دسته از آن‌ها به نام اعتدالی نام گرفت و دومین دسته پارلمانی، دموکرات‌ها بودند و این دو حزب، دو رقیب اصلی هم در این مجلس محسوب می‌شدند. معین التّجار در حزب اعتدالیون عضو شد. طبق اسناد خانواده انصاری، او به همراه افراد سرشناسی چون معاون‌الدوله غفاری، دهخدا، سیدصادق طباطبایی، معاضدالسلطنه، نصرت‌السلطان انصاری، مرتضی‌قلی‌خان نائینی و علی محمد دولت‌آبادی، بابت عضویت در آن حزب، بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ هـ.ق، مبالغی را به کمیته مرکزی حزب پرداخته بودند.^۳

وی چندین بار از طرف این حزب به عنوان کاندیدا معرفی شد؛ از جمله در ۱۶ برج سنبله سال ۱۳۳۵ هـ.ق. / ۱۹۱۶ م، در منزل حاج محمدتقی بنکدار، جلسه‌ای برگزار گردید که در آن اعضا به توافق

۱. سعیدی‌نیا، معین التّجار و احیاء تجارت دریایی، همان؛ ص ۱۱۶.

۲. همان؛ صص ۱۱۹-۱۱۸.

۳. همو، پژوهش‌نامه خلیج فارس، همان؛ ص ۱۰۱؛ نیز نک: ورهرام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار (تهران: معین، ۱۳۶۹، چاپ دوم)؛ ص ۴۳۸.



می‌رسند که افرادی که نفوذ بیشتری در جریان‌های سیاسی دارند، به نمایندگی حزبشان برگزیده شوند که یکی از آن افراد مورد نظر، معین‌التجار بوشهری بود.^۱

بعضی از نمایندگان تجار، بیاناتی داشتند مبنی بر اینکه افراد فرقه اعتدالی باید سعی و تلاش مضاعف نمایند تا از افراد صاحب‌نفوذ مملکت برای وکالت انتخاب شوند و حاج معین‌التجار بوشهری را، مهم‌ترین فرد مورد نظر خود قلمداد کردند. معین‌التجار در مقابل ابراز تمایل همکاران خود می‌گوید:

من هم در مقابل این محبت افراد فرقه، حاضر متحمل همه قسم خسارت شده و نگذارم اکثریت را کاندیداهای سایر فرق ببرند ...^۲

وی در همین دوره سوم مجلس شورای ملی، در زمان احمدشاه بود که با قرارداد ۱۹۱۹ مخالفت شدید خود را نشان داد. عده‌ای از رجال و نمایندگان سابق مجلس شورای ملی مانند معین‌التجار بوشهری، اعتراض و مخالفت خود را درخصوص قرارداد ۱۹۱۹ به اطلاع وثوق‌الدوله رسانیدند و در پی آن وثوق‌الدوله با مخالفین به طور جدی برخورد کرد و عده‌ای از رجال و معین‌التجار بوشهری را که هسته اصلی مخالفت با قرارداد بودند، به کاشان تبعید کردند.^۳ جمعی از آنان مانند ممتازالدوله و معین‌التجار بوشهری و مستشارالدوله را نیز پس از زندانی کردن، به جرم مخالفت با منافع انگلستان در ایران و دفاع از حقوق وطن خود، به کاشان تبعید نمودند.^۴

در جریان کودتای ۱۲۹۹، معین‌التجار به همراه وثوق‌الدوله دستگیر و در سال ۱۳۰۰ آزاد شدند. معین‌التجار در این دوره نیز اقتدار خود را حفظ کرد. وی در اواخر عمر با مخالفت امامقلی‌خان رستم درخصوص مسئله مالکیت املاک ممسنی مواجه گردید و وارد جنگی تمام عیار شد. سرانجام معین‌التجار بعد از کشمکش‌های ممسنی و در سال ۱۳۱۲ در دوره حکومت رضاشاه در سن نود سالگی درگذشت.^۵

انتقادات واردشده بر حاج معین‌التجار

زمانی که حاج معین‌التجار در بوشهر حضور داشت و هنوز به تهران مهاجرت نکرده و زندگی سیاسی خود را رسماً آغاز ننموده بود، داستان گرایش وی به انگلیس بر سر زبان‌ها افتاد. در ماه ژوئن سال ۱۸۹۷م، اتفاقی غیرمعمول به وقوع پیوست. استاندار بوشهر به نام هیثم السلطان، فردی که از دیدگاه انگلیسی‌ها دارای پول کافی برای بسط و استحکام پایه‌های حکومت خود نبود و توانایی مالیات‌گیری از مردم را نداشت، سربازان خود را برای دریافت مالیات به خانه معین‌التجار اعزام کرد. معین‌التجار از این کار امتناع نمود؛ به خصوص اینکه خود را نماینده تاجران خارجی می‌دانست. بنابراین به مقر کنسولگری انگلیس پناه برد و بیان داشت که منافع انگلیس، در صورتی که او سرمایه خود را از دست بدهد، به خطر خواهد افتاد و اعتبار دولت ایران در نزد شورای تاجران خارجی از دست خواهد رفت. انگلیس تصمیم گرفت تا از معین‌التجار

۱. همان؛ ص ۱۰۱.

۲. افشار، ایرج، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق (راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۳ هـ.ق.) (تهران: طلایه، ۱۳۶۷، چاپ اول)؛ ص ۱۶۵.

۳. عاقلی، همان؛ ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران (تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳، چاپ اول)؛ ص ۴۳۲.

۵. اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، همان؛ ص ۴۳.

حمایت کند زیرا از این حقیقت آگاهی داشت که اگر اموال معین‌التجار مصادره شود، هیچ چیز برای شرکت‌های انگلیسی باقی نمی‌ماند. والی بوشهر از دخالت انگلیس اظهار نگرانی نمود و از طریق انگلیسی‌ها تحت فشار قرار گرفت که سربازان خود را از خانه معین‌التجار خارج کند و این رخداد توانست ارتباط معین‌التجار با انگلیسی‌ها را مستحکم سازد. هم‌چنین این اتفاق باعث شکل‌گیری وابستگی دوجانبه بین منافع تجار و سرمایه‌گذاران محلی گردید و استقلال تاجران خارجی و محلی مشاهده شد؛ همان‌گونه که اقتصاد جهانی و نظام سرمایه‌داری پیشرفت نمود. به علاوه، اغلب تاجران ایرانی از منافع خارجی‌ان و دخالت آنان اظهار نارضایتی کردند، زیرا خارجی‌ان برای کسب امنیت و منافع خود در منطقه تلاش می‌کردند. این ابهام و روابط وی با کمپانی‌های تجاری انگلیس وجود داشت تا اینکه در ماجرای استبداد صغیر و جنگ جهانی اول، حوادثی دیگر رقم خورد. معین‌التجار در دوران استبداد صغیر، جنگ جهانی اول و قیام مردم جنوب، در مقابل انگلیسی‌ها از آزادی‌خواهان و مبارزان ضد استبداد و استعمار پشتیبانی می‌کرد. او به خصوص در قیام جنوب واسطه بین سران قیام و مجلس شورای ملی و هیئت دولت بود.^۱ اما قضیه را به نوعی دیگر نیز می‌توان مورد بررسی و تحلیل قرار داد و اینکه معین‌التجار در سایه سرمایه خارجی‌ان و فرصت‌های ایجاد شده از طریق آن‌ها، امرار معاش می‌کرد، اگرچه مجادله‌هایی بین او و شرکت‌های انگلیسی به وجود می‌آمد اما نمی‌توانست بدون کمک آن‌ها از مزیت‌های رود کارون استفاده کند. او تقریباً سرمایه کافی نداشت اما هنوز دارای تأثیر لازم و نقش مهم جهت مدرنیزه کردن اقتصاد کشور بود. این بحث نیز مطرح بود که سرمایه‌گذاران محلی به علت رقابت و دخالت‌های خارجی‌ان، نمی‌توانند به موفقیت‌های لازم دست یابند.

از سال ۱۹۰۲، پس از استخراج مواد معدنی اکسید در هرمز، شعبه‌هایی در بندر میناب تأسیس گردید، در حالی که ساکنین این بندر از مالیات‌گیری حاج معین‌التجار، اظهار شکایت و نارضایتی می‌کردند؛ به همین دلیل، وی از سوی دولت و شیوخ محلی مورد انتقاد قرار گرفت.

معین‌التجار با شرکت‌های خارجی برای فروش خاک معادن هرمز مکاتبه کرد و در خصوص قیمت و میزان حمل آن به توافق‌هایی نیز رسید.^۲ او با کمپانی منچستر در استخراج و ایجاد کارخانه گوگرد، قراردادی منعقد کرد. مذاکرات و مکاتباتی صورت گرفت. کارشناسان زمینه‌ها و امکانات لازم در تأسیس کارخانه را برآورد کردند اما وسایل خریداری شده، در کشتی حامل آن غرق شد و نماینده کمپانی منچستر موفق به انجام کار نشد و در پی آن معین‌التجار از عدم پیشرفت کار به کمپانی منچستر شکایت برد.^۳

در اثنای همین اختلافات میان کمپانی منچستر و حاج معین‌التجار، مخالفت‌هایی از طرف مخالفان وی به وجود آمد. دادخواستی به امضای اهالی هرمز رسید و از مدیر روزنامه *چهره‌نما* با نهایت عجز خواسته شد

۱. سعیدی‌نیا، همان؛ صص ۹۹-۱۰۰.

۲. «مکاتبات معین‌التجار با کمپانی استریک»، ۲۹ جمادی‌الأول ۱۳۹۳، ۱۵۹۱۹۵ و ۱۱۵۳۳۱۸- ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی‌فارسانی، همان.

۳. «مستر الینجر به مستر گون، منچستر به بندرعباس»، ۱۷ مه ۱۹۰۷، ۱۱۵۱۶۹- ق. (م. ا. ب.)؛ به نقل از: ترابی‌فارسانی، همان؛ صص ۲۳۶.



تا دادخواست آنان را به خدمت ایرانیان عموماً و اولیای دولت علیه ایران به واسطه آن روزنامه برسانند. خلاصه‌ای از درخواست ایشان بدین شرح بوده است:

مدت زمانی هست که از ظلم معین‌التجار بوشهری و گماشتگان او خاصه میرزا خلیل و حاجی شیخ احمد گله‌داری به تنگ آمده؛ در حالی که به‌شدت در معدن به قول خودشان به بیگاری کشیده شده‌اند و حقوق ناچیزی دریافت می‌کنند و وضعیت کارگران معدن، بسیار ناخوشایند است. اینان دیگر تاب تعدی‌های معین‌التجار را ندارند.^۱

شکایاتی که در این خصوص به تهران ارسال می‌گردد، وجهه حاج معین‌التجار را زیر سؤال می‌برد و حتی به سه ماه اعتکاف در منزل خودش نیز امر می‌شود که برای رفع پاره‌ای مسائل از منزلش بیرون نیاید تا طرفدارانش در مجلس مقدّس و دوایر رسمیه بتوانند از وی رفع اتهام کنند. گویا براساس آخرین تلگرافی که در تهدیدات شدید به قشم و میناب و حمیر و غیره کرده، و این اعتکاف را منافی شرف خود دانسته است.^۲

در حدود استبداد صغیر و به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلی‌شاه، گروهی از نمایندگان مجلس به هر قیمتی سعی بر آن داشتند تا جلو خونریزی را بگیرند و در مشروطه‌خواهی و خیرخواهی این افراد، تردیدی وجود نداشت و از این رجال از قبیل حاجی معین، تصوّر می‌کردند که اگر مجاهدین را قبل از وقوع حادثه‌ای تلخ، متفرّق کنند و اطراف مجلس را خلوت نمایند و به کشمکش خاتمه دهند، ممکن است سازش میان شاه و مجلس پیدا شود و از جنگ حتمی و خونریزی جلوگیری شود و در تلاش بودند نمایندگان انجمن متفرّق شوند.^۳ در این جریان، معین‌التجار متهم شده است که وی تحت عنوان صلح‌طلبی، بسیاری از مجاهدین یا فدائیان را متفرّق و اسلحه‌عده‌ای از آن‌ها را گرفته و در محل نامعلومی مخفی کرده‌اند.^۴ در حالی که تا روز بمباران مجلس، کمتر کسی تصوّر می‌کرد که محمدعلی‌شاه برای مجلس و وکلای آن، چنین نقشه شومی در سر داشته باشد و علاوه بر آن، حاج محمد معین‌التجار در برپایی و استحکام بنیان مجلس مشروطه، تا به آن روز کفایت و صلاحیت خود را به عنوان یک نماینده در میان طبقه تجار و عامه مردم به اثبات رسانیده بود.

در واقعات *اتفاقیه* در روزگار، در خصوص مخفی کردن اسلحه‌ها، اسمی از حاج معین‌التجار آورده نشده و تنها حاج محمداسماعیل آقا را در این جریان مورد خطاب و اتهام قرار داده است و به گونه‌ای از معین‌التجار رفع اتهام می‌شود:

خرده‌خرده شنیده می‌شد که به سربازهای سیلاخوری گفته‌اند که اعلی حضرت اجازه چپاول و تاراج داده است. قراولان و سربازان مجلس هم می‌خواهند مسلّح شوند ... حاجی محمداسماعیل آقا تفنگ‌های مجلس را جمع‌آوری و ضبط می‌نماید ... از مجلس به جهت جلوگیری بعضی اغتشاش‌ها و شرارت بعضی اشرار، به

۱. *چهره‌نما*، سال نهم، ش: ۲۳، صفر ۱۳۳۱ هـ.ق. / ۹ ژانویه ۱۹۱۳ م؛ ص ۳؛ نیز نک: *گزیده مقالات و اخبار و روزنامه‌های مهم درباره خلیج فارس (۱۲۵۳-۱۳۲۰ هـ.ش)*، تدوین امیرهوشنگ انوری، با مقدمه حسن حبیبی (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷، چاپ اول).
۲. *روزنامه مظفری*، سال دهم، ش: ۱۴، ۱۷ رجب المرجب ۱۳۲۸؛ نیز نک: حمیدی، جعفر، *بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل‌المتین، مظفری)* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، چاپ اول)؛ ص ۱۷۷.
۳. *ملکزاده*، همان؛ ج ۳، ص ۶۸۳.
۴. همان؛ ج ۴، ص ۷۱۸.

مشیرالسلطنه کاغذی نوشته می‌شود ... شاه می‌فرماید، آن شرایطی که گفته‌ام باید مجری بشود؛ و آلفرد آنچه تکلیف است، خواهد شد و ... حاجی محمداسماعیل آقا هم تفنگ‌ها را نمی‌دهد و می‌گوید صلاح نیست ...^۱

روزنامهٔ تایمز درخصوص جریانات خلع سلاح مجلسیان در زمان قبل از بمباران مجلس معتقد است، اقدامات جمعی از رجال ایران دلیل بر خیرخواهی برای مجلس پنداشته می‌شود.^۲ در یکی از نشست‌های مجلس شورای ملی، یکی از تماشاجیان با نام میرزا داودخان، به حاج محمد معین‌التّجار فحاشی می‌کند. حال آنکه بر اساس مقررات روی کارت ورود افراد به جلسه نوشته شده بود که تماشاجی حق ندارد در مذاکرات مجلس دخالت کند؛ به‌خصوص بدگویی به وکلای مجلس، یا هرگونه تظاهری در صحن علنی مجلس ممنوع بود و مجازات خاصی در پی داشت.^۳ داستان فحاشی میرزا داودخان به حاج معین‌التّجار در مجلس اول، از آن‌جا آغاز می‌شود که عده‌ای از جمله شیخ محمود ورامینی، در زمرهٔ متهمان بمباران مجلس بوده و حاج معین‌التّجار از وی دفاع کرده بود و سرانجام به آن درگیری لفظی در مجلس منجر شد.^۴

روزنامهٔ یادگار جنوب در مقابل انتقادات شدیدی که از حاج معین‌التّجار شده بود، اجمالاً به تعریف و تمجید از اقدامات ایشان پرداخته است که بیان آن، حسن ختامی بر این مقاله خواهد بود: امروزه تعدّیات وارده بر جناب معین‌التّجار با وجود آن‌همه خدمات و جان‌فشانی‌هایی که در هر دوره ظاهراً و باطناً نموده، زیاده از حد، اسباب یأس عموم تجّار بندر گردیده که این درجه در حدود ابطال امتیازات حقّهٔ ایشان برآمده‌اند. در صورتی که در تمام ایران، احدی یکی از خدمات او را نسبت به دولت و ملت ننموده است. از جمله خدمات ایشان، آبادی ناصری است که فقط از گمرک آن، سالی سیصد هزار تومان عاید دولت می‌شود ... سیاحتی که از بندر بوشهر و خوزستان عبور و مرور می‌نمایند، شرح خدمات و کفایت وجود این شخص محترم را در کتب خود نوشته‌اند که من جملهٔ آن‌ها جنرال کرزون انگلیسی است. شرحی در سیاحت‌نامهٔ خود نوشته و چاپ شده؛ شرحی درخصوص جناب معین‌التّجار به دولت و ملت نوشته است؛ انصاف است که عده‌ای رشوه‌خوار در لباس مشروطیت این درجه ظلم و تعدّی را دربارهٔ این وجود محترم برآیند؟^۵

نتیجه

سیری در تاریخ خاندان دهمدشتی بوشهر، ما را با شخصیت بزرگی در تجارت جنوب ایران آشنا می‌کند. فعالیت‌های حاج آقا محمد معین‌التّجار در یک مقطع زمانی کوتاه به طور مستقیم موجب احیاء موقعیت اقتصادی ایران در خلیج فارس گردید. حاج محمد معین‌التّجار بوشهری، علاوه بر فعالیت در زمینهٔ تجارت و

۱. شریف‌کاشانی، محمدمهدی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، چاپ اول)؛ ص ۱۸۶.

۲. همان؛ ص ۲۳۱.

۳. آجودانی، ماشاءالله، *مشروطهٔ ایرانی* (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷، چاپ نهم)؛ ص ۴۴۶.

۴. *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام السلطنه مافی* (مجموعه متون و اسناد تاریخی، کتاب اول، قاجاریه)، به کوشش محمود نظام مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، چاپ اول).

۵. *یادگار جنوب*، سال اول، پنج‌شنبه ۲۰ رمضان ۱۳۲۹، ش: ۳۵؛ ص ۸؛ نک: حمیدی، همان؛ ص ۳۷.

بازرگانی، در زمینه سیاسی و در تشکلهای اقتصادی نظیر مجلس وکلای تجار و یکی از ده نماینده تجار در مجلس اول هم‌چنین با عنوان نماینده مردم بوشهر در مجلس سوم شورای ملی و کمک به مدرسه‌سازی، نقش ویژه فرهنگی و اجتماعی خاصی را به خود اختصاص داده است. ایشان با دارا بودن نگرش اقتصادی و ایدئولوژی سیاسی بالا، با به دست آوردن سهم‌الارث عمده خود از املاک ملک‌التجار، پله‌های ترقی را به سرعت طی نمود تا جایی که توانست با عنوان سلطان اقتصاد جنوب ایران و چهره ماندگار عرصه سیاست اقتصادی و اقتصاد سیاسی، خود را به اشتهار درخور توجه در تاریخ تجارت و اقتصاد ایران، به اثبات برساند. تاجرانی هم‌چون معین‌التجار بوشهری، تلاش کردند تا از فرصت‌های موجود جهت ارتقاء سرمایه‌های خود استفاده کنند و پیشرفت و آبادانی را به ایران وارد نمایند. هم‌چنین باید به حضور معین‌التجار که قبلاً نیز ریاست شورای عالی تجارت را بر عهده داشت، به عنوان نماینده «مجلس» که بزرگترین و مهم‌ترین دستاورد مشروطیت و تغییر نظام سیاسی کشور بود، تأکید کرد.



کتابنامه

- آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷، چاپ نهم).
- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی (در آثار منتشر نشده در دوران قاجار) (تهران: آگاه، ۱۳۶۵).
- اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران (تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳، چاپ اول).
- سدیدالسلطنه مینایی بندرعباسی، محمدعلی خان، سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)، تصحیح و تحشیة احمد اقتداری (تهران: نشر به‌نشر، ۱۳۶۲، چاپ اول).
- سعادت کازرونی، محمدحسین، تاریخ بوشهر (۱۲۸۲-۱۳۵۴ هـ.ق.)، تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰، چاپ اول).
- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، پژوهش‌نامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم) به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا (تهران: نشرخانه کتاب، ۱۳۹۰، چاپ دوم).
- _____، معین‌التجار و احیاء تجارت دریایی (بوشهر: دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۹۳).
- شاهرخ‌مقدم، پروانه، «علل مهاجرت تجار دهمدشتی به بوشهر و نقش آن‌ها در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۹۱.
- شریف‌کاشانی، محمدمهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، چاپ اول).
- عاقلی، باقر، خاندان‌های حکومتگر ایران - قاجاریه، پهلوی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۱).
- علوی، سیدابوالحسن، رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی، بازخوانی و تجدید چاپ: ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵، چاپ دوم).
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق.)، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹، چاپ دوم).
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تبریز: نشر اختر، ۱۳۸۸، چاپ سوم).
- گزیده مقالات و اخبار و روزنامه‌های مهم درباره خلیج فارس (۱۳۵۳-۱۳۲۰ هـ.ش.)، تدوین امیر هوشنگ انوری، با مقدمه حسن حبیبی (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷، چاپ اول).
- مجیدی کرابی، نورمحمد، تاریخ و جغرافیای ممسنی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱).
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه)، ج ۳ (تهران: زوار، ۱۳۷۱، چاپ سوم).
- معتضد، خسرو، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران (تهران: جازاده، ۱۳۶۶).
- ملکزاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱ (تهران: سخن، ۱۳۸۳).
- ورهام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار (تهران: معین، ۱۳۶۹، چاپ دوم).

اسناد و مطبوعات

- اسدپور، حمید و عارف اسحاقی، «معین‌التجار بوشهری و دست‌اندازی به اراضی شولستان، با تکیه بر اسناد نویافته طایفه بکش»، گنجینه اسناد، سال ۲۴، ش: ۱، بهار ۱۳۹۳؛ ص ۴۳.
- اسناد لانه جاسوسی، ترجمه و تنظیم دانشجویان خط امام (تهران: مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا، بی تا).
- افشار، ایرج، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق (راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۳ هـ.ق.) (تهران: طلایه، ۱۳۶۷، چاپ اول).
- ترابی فارسانی، سهیلا، تجار مشروطیت و دولت مدرن، (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴).
- تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸، چاپ اول).
- چهره‌نما، سال نهم، ش: ۲۳، صفر ۱۳۳۱ هـ.ق. / ژانویه ۱۹۱۳ م؛ ص ۳.
- حمیدی، جعفر، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل‌المتین، مظفری) (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، چاپ اول).
- خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی (مجموعه متون و اسناد تاریخی؛ کتاب اول، قاجاریه)، به کوشش محمود نظام مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، چاپ اول).



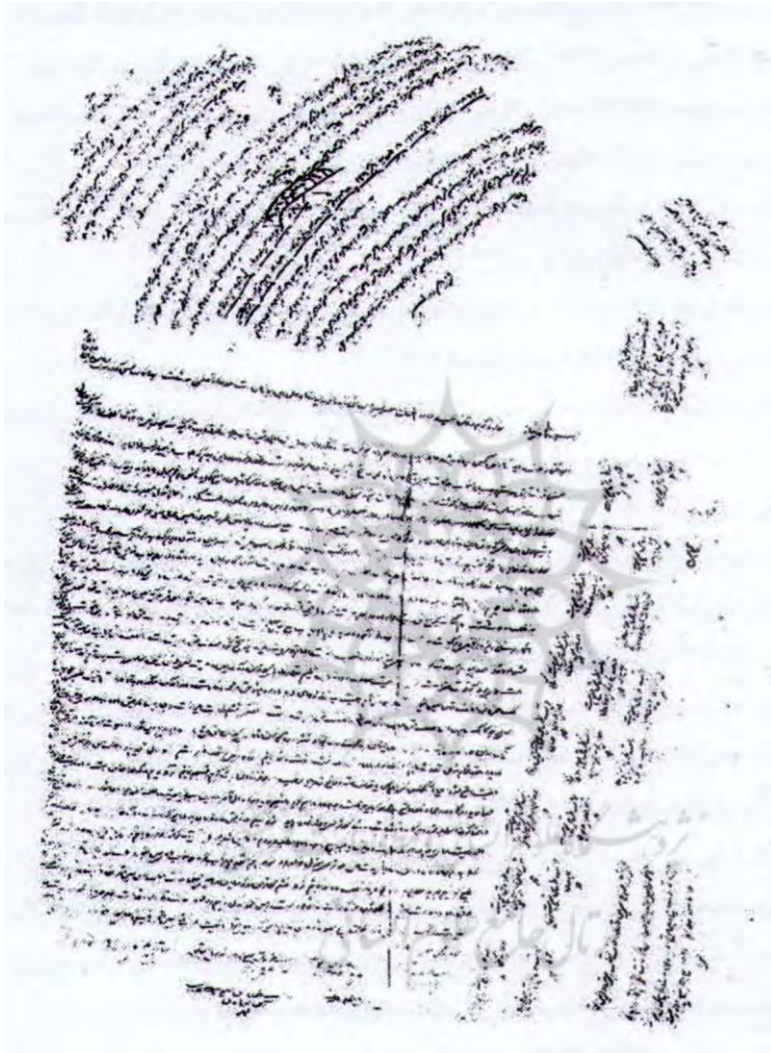
روزنامه مظفری، سال دهم، ش: ۱۴، ۱۷ رجب المرجب ۱۳۲۸.

گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس - سرکنسول انگلیس در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه (تهران: پروین، ۱۳۷۷).
مشایخی، عبدالکریم، مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه (مجموعه مقالات، عکس و اسناد) (بوشهر: مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۸).
یادگار جنوب، سال اول، پنجشنبه ۲۰ رمضان ۱۳۲۹، ش: ۳۵.

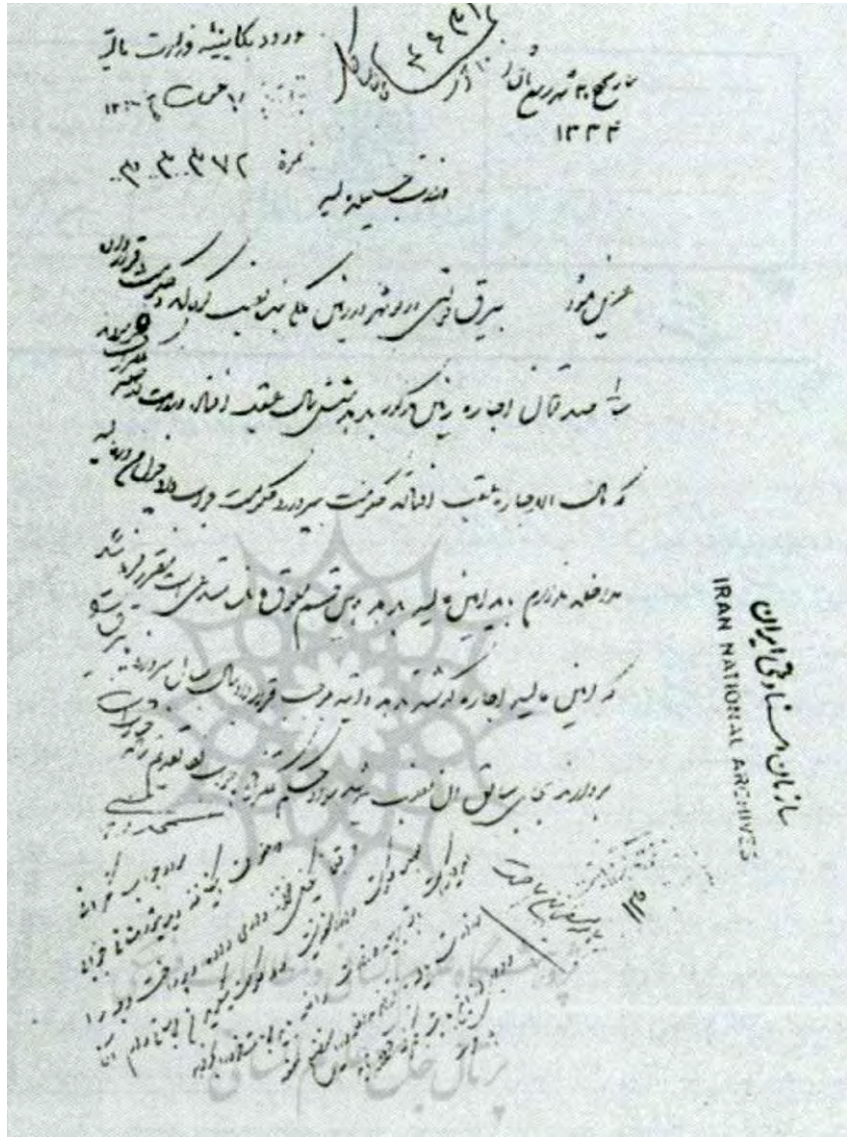
اسناد پیوست

- سند شماره ۱: سند قرارداد معین‌التجار و خوانین منطقه شولستان (برگرفته از: اسدپور، همان؛ ص ۶۸).
سند شماره ۲: فرمان پرداخت حق‌الأرض عقب‌افتاده شش‌ساله معین‌التجار بوشهری. (آرشیو اسناد ملی، ۲۴۰۰۲۰۴۰/۴۱۶ ب ۱۱۵؛ به تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ هـ.ق.).
سند شماره ۳: جوابیه وزارت مالیه به حکومت بنادر، مبنی بر پرداخت حق‌الأرض معین‌التجار و اینکه وزارت داخله باید محاسبات خود را تسویه نماید. (آرشیو اسناد ملی، ۲۴۰۰۲۰۴۰/۴۱۶ ب ۱۱۵؛ به تاریخ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ هـ.ق.).
سند شماره ۴: واگذاری امتیاز تأسیس کمپانی نفت شمال به معین‌التجار. (برگرفته از: سعیدی‌نیا، معین‌التجار و احیاء تجارت دریایی همان؛ ص ۱۸۳).
سند شماره ۵: نامه معین‌التجار به نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی درخصوص نحوه پرداخت مطالباتش توسط دولت. (برگرفته از: سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۷۸).
سند شماره ۶: نامه معین‌التجار به نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی درخصوص مفاد قرارداد خاک هرمز. (برگرفته از: سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۷۹).
سند شماره ۷: تلگراف حمایت اتحادیه تجار از معین‌التجار در استخراج معادن هرمز. (برگرفته از: سعیدی‌نیا، همان؛ ص ۱۶۷).
تصویر شماره ۱: نفر وسط، معین‌التجار بوشهری است که فرمان مشروطیت را در دست دارد؛ نفر سمت راست، حاج محمد اسماعیل مغازه و نفر سمت چپ، امین‌الضرب.
تصویر شماره ۲: معین‌التجار بوشهری در کنار سیدضیاء طباطبایی (نشسته سمت چپ: معین‌التجار؛ نشسته سمت راست: سیدضیاء).

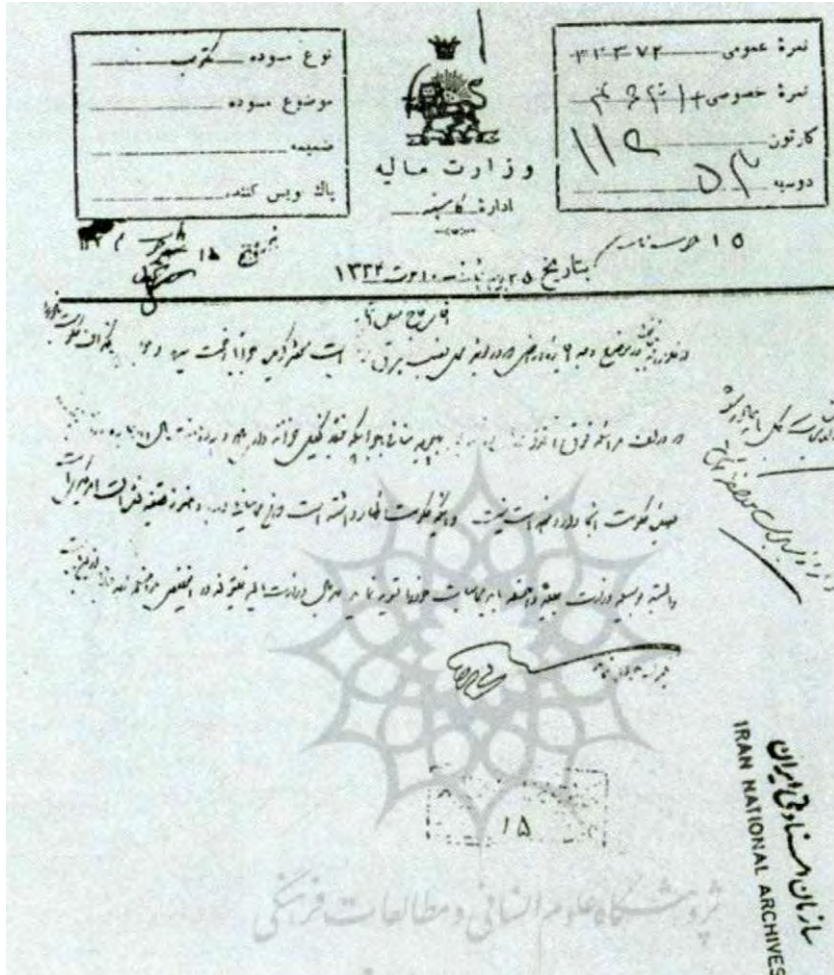
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



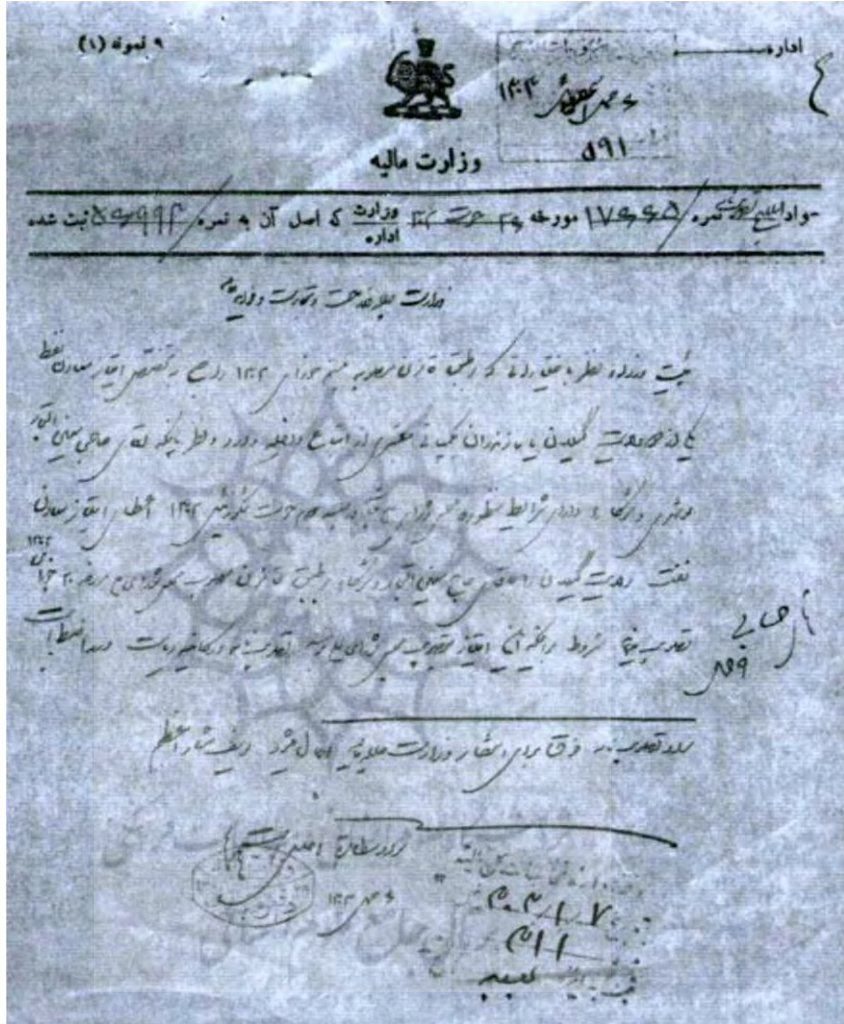
سند شماره ۱



سند شماره ۲



سند شماره ۳



سند شماره ۴



خدمت ذی شرافت آقایان محترم نمایندگان عظام مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارادانه

(۱۷)

مجلسد افتتاح مجلس دوره چهارم اسباب ایدواری عاده گردیده که اسرار نطقه
و رازهای کفنه توجه فرموده. بجه های عدالت فرسا را از گریبان مظلومین دور سازند بالذات
ا بشر و حاکم دولتی مطبوعه حاجت توضیح میدام که برای ادای وظیفه ابرایت تا چه اندازه
در مقابل نیاستهای خاص مقاومت نموده. و بخارج سر فرود نیاورده. ولی بجای نفعدهای که از
مصلحت عدالت است چه عدالت و خسارتی منجمل شدم اکنون که پس از سالیان دراز در
تحت اثر توجهات آن ذوات محترم : اندازه دولت حاضر شده است که در خدمت طلب حقه بده
رضیة حاضر و قدیم مجلس شورای ملی سایه و سوده است سند مراست آن حاکمان عدالت و
حاکمان حقوق مراتب توجهات عادلانه را تبدیل فرموده. خدمات و خسارتان لایحه و انحصار
بده حاکمه دهند

تصدیق خواهد فرمود که بکنفر تاجر ایرانی که نام هر و منافع شروع خود را
فدای صیانت حقوق ابرایت نموده. نیاید بیش از این در دردی سرگردانی به بیرنگهای خارجه
پرتفریق باشد. عظام انسانی و مطالعات فرسکی

مستمر است بحساب بده حاکمه داده شود و بهیاست بده که از هیچگونه فدا کاری
معاذت نکرده ام بآنهم در حد توانائی درین نخواهم داشت در صورتیکه برای دولت پرداخت
وجه قداً بپس نماند. مطرا خواهم نمود در طرف پنجمال با فرج مسول برهانه که هم بده
بحق خود رسیده. و هم دولت عدالت را مجرا دانسته باشد. منتظر تبدیل عیانت و عدالت
معین التجار

اداره تکرافی دولت علیه ایران

۱۳۰ سنه

نمبره ثبت	نمبره کتابه	نمبره ثبت	نمبره کتابه
۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵

تاریخ وصول	تاریخ	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات
۱۳۰	۱۳۰		۱۳۰	۸۲

مقام تقدیر دارا کردای...

میزمایید اگر...

که نام تا و با سر...

در این مکتب...

عناذ سو اگر...

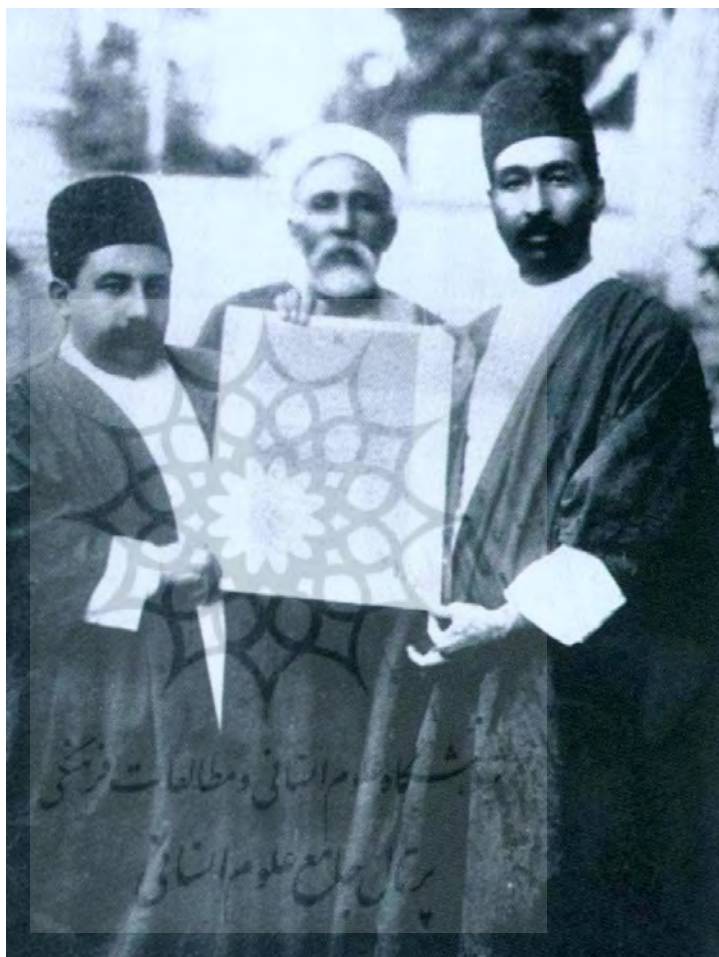
نموده ایک...

نقد و تحقیق...

بسم الله الرحمن الرحیم

تقدیر...

سند شماره ۷



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی